سیر انتقال میراث مکتوب شیعه در آینهٔ فهرست‌ها

روح الله شهیدی*

دکتر محمدعلی مهدوی راد**

چکیده

پیدایش و تثبیت مکاتب نخستین حدیثی در مناطق گوناگون جهان تشیع، با سیر انتقال کتاب‌ها ارتباطی ناگسستنی دارد؛ زیرا حدیث شیعه در قالب کتب و مصنّفات جلوه‌گر است و کمتر بر نقل‌های شفاهی تکیه دارد. دانشیان شیعه هم در رحلات و سفرهای حدیثی خویش بر آن بوده‌اند که کتاب‌های منطقه مبدأ را از طریق محدثان بزرگ و مشایخ اجازه آن اخذ کرده، به منطقه خویش منتقل کنند. در این مقاله سعی شده با واکاوی تراجم موجود در الفهرست شیخ طوسی و رجال‌النجاشی و بررسی اسناد و طرق موجود در آنها، سیر انتقال میراث مکتوب در میان شهرهای مهم شیعه نشین باز شناخته شود تا از این گذر، روند شکل گیری مکاتب بزرگی چون قم، بغداد و خراسان آشکار گردد و واسطه‌های انتقال کتب میان مدارس حدیثی و مشایخ اجازه هر منطقه شناسایی شوند.

کلید واژه‌ها: میراث مکتوب شیعه، رحله‌های حدیثی، کوفه، قم، خراسان، بغداد.

درآمد

شیعه از آغازین سال‌های صدور حدیث به کتابت و تدوین آن اهتمام داشته و در این راه از هیچ کوششی فروگذار نکرده است. ترغیب و تشویق ائمه به کتابت حدیث، گزارش‌های تاریخی از پویه‌های شیعه در این راه و سیاههٔ بلند بالای کتب شیعه در نخستین قرن‌های هجری، همه نشان از این دارد که میراث علمی و حدیثی شیعیان میراثی مکتوب است و بر خلاف اهل سنت بر پایهٔ

---

* کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث.

** استادیار دانشگاه تربیت مدرس تهران.

نقل‌های شفاهی پی ریزی نشده است.

با توجه به این ویژگی، طبیعتاً تبادلات حدیثی و علمی در جامعهٔ شیعه هم در قالب انتقال کتاب‌ها متبلور می‌شود؛ چه مؤلفه و شاخصهٔ اصلی چنین جامعه‌ای مکتوبات است. از همین رو، کوشش‌های حدیث طلبانه شیعیان، چون رحلات حدیثی، نیز به منظور سماع و قرائت کتب یا اخذ اجازه نقل آنهاست. نیم نگاهی به رحلات حدیثی دانشیان شیعه گویای همین مطلب است. اینان به مراکز مهم علمی سفر کرده و از طرق مختلف تحمل، چون سماع، قرائت و اجازه، کتب را از محدثان و دانشمندان بزرگ دریافت می‌کردند. آن‌گاه، با این ره توشه به دیار خود برگشته، مکتب جدیدی در شهر خویش پایه‌ریزی می‌کردند و یا بر غنای داشته‌های مدرسه حدیثی خود می‌افزودند. گاه نیز پیش می‌آمد که بزرگان مدرسه‌ای حدیثی به شهرهای دیگر سفر کنند و مجموعه کتاب‌هایی که اجازه نقلش را داشتند، در اختیار طالبان علم قرار دهند. به نظر می‌رسد آشنایی دقیق‌تر با سیر انتقال میراث مکتوب شیعی، نکات بسیاری را در تاریخ حدیث شیعه در قرون نخستین هجری آشکار خواهد کرد.آشنایی با روند گسترش حدیث در جهان تشیع، آگاهی از چگونگی شکل گیری مکاتب حدیثی شیعه، شناخت واسطه‌های نقل کتاب‌ها و مشایخ اجازه در هر منطقه در شمار مهم‌ترین نکاتی است که از خلال جستجو در این موضوع عاید پژوهشگر می‌شود.

بی شک، فهرست‌ها یکی از مهم ترین منابع پی جویی این بحث‌اند، چون اولاً، این دسته کتاب‌ها، با هدف شناساندن میراث مکتوب شیعه تدوین شده‌اند و تنها منابع کتابشناسی شیعه در قرون اولیه هستند. ثانیاً، بیشتر رحلات حدیثی دانشیان متقدم شیعه، به عنوان راه انتقال کتب، در این کتب بازگو شده است. ثالثاً، اسناد و طرق به کتاب‌ها در آنها بیان شده است که از جهاتی قابل استفاده است. در خلال اسناد، تعابیری وجود دارد که مکان یا زمان تحمل حدیث را مشخص می‌کند و می‌توان برخی مسافرت‌های حدیثی را از گذر آنها بازشناخت. همچنین می‌توان نام کسانی که تصریح شده رحله داشته‌اند، در اسناد جستجو کرد و کتاب‌هایی که وی از آن سفر با خود به ارمغان برده، مشخص کرد. تکرار نام فرد در اسناد و طرق مختلف نشان از اهمیت والای او دارد و می‌رساند که او در منطقهٔ خویش میراث‌دار کتب و شیخ اجازه است. طبیعتاً راویان مرتبط با چنین افرادی واسطهٔ نقل و انتقالات بین مکاتب خواهند بود، بدین شرط که یا اهل جای دیگر باشند یا در شمار مسافران حدیثی قرار گیرند.

در این مقاله بر آنیم با استفاده از فهارس، سیر انتقال میراث مکتوب شیعه را بررسی کنیم و فواید و آثار ناشی از آن را نشان دهیم. با بررسی فهرست‌ها می‌توان سیر این انتقال را در دو دوره ترسیم کرد:

دورهٔ اول، انتقال از کوفه به سایر مراکز علمی شیعه، در این دوره به دلیل مرکزیت علمی کوفه، طالبان حدیث از مناطق دیگر، بویژه قم به آن روی می‌آورند و گاه هم کوفیان خود به سفر رفته و

احادیث کوفیان را در سایر جاها می‌پراکندند.

دورهٔ دوم، انتقال کتاب‌ها از مراکز علمی مهم شیعه به بغداد، در این دوره دانشیان شیعه در بغداد متمرکز شده‌اند و مرکز علمی شیعه، بغداد است. از همین رو، سفرهای حدیثی یا از بغداد به مراکز حدیثی مهم چون قم، خراسان و کوفه است یا مردمان این سرزمین‌ها به پایتخت علمی جهان اسلام و شیعه پا می‌گذارند. اکنون به تفصیل، این دو دوره را مورد بحث قرار می‌دهیم.

دورهٔ اول. انتقال از کوفه به سایر مراکز علمی شیعه

در تاریخ حدیث شیعه، کوفه نقشی پررنگ و برجسته دارد. در قرون نخستین هجری، این شهر مرکز سیاسی، علمی و فرهنگی شیعه بوده است. حوادث مختلف تاریخی و حضور دانشیان و محدّثان بزرگ شیعی خود دلیلی روشن بر این مدعاست. روشن است که چنین مرکزی هم مبدأ صدور حدیث به دیگر نقاط شیعه نشین باشد و هم توجه طالبان علم را به خود جلب نماید. آنچه در زیر می‌آید روند این انتقال به تفکیک گیرندگان و مقصدهای آن است.

انتقال از کوفه به قم

آن‌گونه که از فهارس بر می‌آید، اولین رحله حدیثی از کوفه به مقصد قم، توسط ابراهیم بن هاشم صورت گرفته است. چنان که گفته شده، او اولین کسی است که حدیث کوفیان را در قم پراکنده است.[1] اصل ابراهیم بن عبدالحمید کوفی،[2] کتب اسماعیل بن ابی زیاد سکونی،[3] کتب حریز بن عبدالله سجستانی،[4] کتاب عبدالله بن سنان،[5] کتب ابن ابی عمیر،[6] کتب محمد بن اسماعیل بن بزیع،[7] اصل هشام بن سالم،[8] برخی از کتب مفضّل بن عمر،[9] کتاب زید نرسی،[10] کتاب سلیم فرّاء،[11] کتاب یحیی بن عمران بن علی بن أبی شعبه حلبی[12] و ....[13] از ارمغان‌های وی برای قمیان است.

---

۱ . **رجال النجاشی**، ص ۱۶، ش ۱۸؛ **الفهرست**، ص ۱۱، ش ۶.
۲ . همان، ص ۱۸، ش ۱۲.
۳ . همان، ص ۳۳، ش ۳۸؛ **رجال النجاشی**، ص ۲۶، ش ۴۷.
۴ . **الفهرست**، ص ۱۶۲، ش ۲۴۹.
۵ . همان، ص ۲۹۱، ش ۴۳۴.
۶ . همان، ص ۴۰۵، ش ۶۱۸ .
۷ . همان، ص ۴۴۱، ش ۷۰۶.
۸ . همان، ص ۴۹۳، ش ۷۸۲.
۹ . **رجال النجاشی**، ص ۴۱۶، ش ۱۱۱۲.
۱۰ . همان، ص ۱۷۴، ش ۴۶۰.
۱۱ . همان، ص ۱۹۳، ش ۵۱۶ .
۱۲ . همان، ص ۴۴، ش ۱۱۹۹.
۱۳ . **الفهرست**، ص ۹۱، ش ۱۲۴؛ ص ۸۹ ، ش ۲۸۹؛ ص ۲۴۶، ش ۳۶۳؛ ص ۲۶۵، ش ۳۷۸؛ ص ۲۹۵، ش ۴۴۲؛ ص ۲۹۶، ش ۴۴۳؛ ص ۳۴۷،

حسین بن سعید اهوازی، یکی دیگر از مهم‌ترین کوفیانی است که گام به قم نهاده‌اند. حسین اصالتاً کوفی است، امّا با برادرش حسن به اهواز می‌کوچد و سپس خود به قم می‌رود.[۱۴] این دو برادر کتبی سی‌گانه تألیف می‌کنند که مقبول و معتمد جامعه شیعه قرار می‌گیرد.[۱۵] بزرگان قم چون احمد بن محمد بن عیسی، احمد بن محمد بن خالد برقی و دیگر قمیان[۱۶] کتب سی‌گانه را از حسین بن سعید نقل کرده‌اند. کتاب‌های ربعی بن عبدالله بصری[۱۷]، شعیب عقرقونی[۱۸]، حمید بن مثنی[۱۹]؛ فضالة بن ایوب[۲۰]، قاسم بن محمد جوهری کوفی[۲۱]، قاسم بن سلیمان بغدادی[۲۲]، قاسم بن عروه بغدادی[۲۳]، حریز بن عبدالله سجستانی[۲۴]، زرعة بن محمد حضرمی[۲۵]، پاره‌ای دیگر از رهاوردهای این سفر برای قمی‌هاست.

در مقابل جریان مهاجرت کوفیان به قم، برخی از قمی‌ها نیز به عراق، خصوصاً کوفه، سفر کردند. بارزترین ایشان احمد بن محمد بن عیسی اشعری قمی است. او خود تصریح می‌کند که در طلب حدیث به کوفه رفته، حسن بن علی بن زیاد وشاء را ملاقات می‌کند و کتاب‌های علاء بن رزین قلاّء و ابان بن عثمان أحمر را از او اجازه می‌گیرد.[۲۶] با بررسی اسانید موجود در فهارس می‌فهمیم احمد بن محمد بن عیسی در عراق حضوری فعّال داشته است و علاوه بر موارد مذکور، کتاب‌ها و مصنّفات بیشماری را از بزرگ محدّثان آن دیار دریافته کرده است. از جمله ایشان به این افراد می‌توان اشاره کرد: احمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی[۲۷]، حسن بن محبوب سراد کوفی[۲۸]، حسن بن علی بن

↔ ش۵۴۸ .، ص۳۵۷، ش۵۶۳ ؛ ص۳۶۳، ش۵۶۵ ؛ ص۳۶۵، ش ۵۷۰ ؛ ص ۳۷۱، ش۵۷۷ ؛ ص ۳۷۲، ش۵۷۹ ؛ ص ۳۷۷، ش۵۸۴ ؛ ص۳۸۷، ش۵۹۲ ؛ ص ۴۴۰، ش۷۰۵؛ ص۴۵۸، ش ۷۳۰؛ ص ۴۶۳، ش۷۳۸؛ ص۴۸۸، ش۷۷۹، **رجال النجاشی**، ص۳۸، ش۷۷؛ ص۳۱۶، ش۸۶۷ ؛ ص۴۳۸، ش۱۱۷۸.

۱۴ . **الفهرست**، ص۱۴۹، ش ۲۳۰.

۱۵ . **رجال النجاشی**، ص۵۸ ، ش ۱۳۶ ۱۳۷.

۱۶ . **الفهرست**، ص ۱۵۰، ش ۲۳۰؛ **رجال النجاشی**، ص۵۹ ـ ۶۰ ، ش ۱۳۶ ـ ۱۳۷.

۱۷ . همان، ص۱۶۷، ش ۴۴۱، **الفهرست**، ص۱۹۵، ش ۲۹۴.

۱۸ . **رجال النجاشی**، ص۱۵۹، ش ۵۲۰ .

۱۹ . همان، ص۱۳۳، ش ۳۴۱.

۲۰ . همان، ص ۳۱۱، ش ۸۵۰ ، چون فضاله در اهواز ساکن بوده، پس حسین بن سعید این کتاب را از اهواز به قم آورده است نه از عراق.

۲۱ . همان، ص۳۱۵، ش ۸۶۲ .

۲۲ . همان، ص ۳۱۴، ش۸۵۸ .

۲۳ . همان، ص۳۱۵، ش ۸۶۰ .

۲۴ . **الفهرست**، ص ۱۶۲، ش۲۴۹.

۲۵ . همان، ص ۲۱۰، ش۳۱۳.

۲۶ . **رجال النجاشی**، ص۳۹، ش ۸۰ .

۲۷ . **الفهرست**، ص۴۸، ش ۶۲ ؛ ص ۵۰ ، ش۶۳ ؛ ص ۳۱۴، ش ۴۸۱؛ **رجال النجاشی**، ص ۱۳، ش۸ .

۲۸ . **الفهرست**، ص۳۹ ـ ۴۰، ش۵۳ ؛ ص۱۰۵، ش۱۳۸؛ ص ۱۲۲، ش ۱۶۲؛ ص۱۲۸، ش ۱۷۴؛ ص ۱۶۱، ش ۲۴۷؛ ص ۲۶۳، ش ۳۷۵؛ ص ۲۷۰، ش۳۸۸؛ ص ۴۷۰، ش ۷۵۳؛ ص ۴۸۷، ش ۷۷۷؛ ص ۵۰۳ ، ش۷۹۵؛ ص۵۰۸ ، ش۸۰۸ ؛ ص ۵۳۴ ، ش ۸۶۷ ؛ ص۵۳۵ ، ↔

فضّال[۲۹]، صفوان بن یحیی بجلی[۳۰]، عبدالرحمان بن ابی نجران[۳۱]، علی بن حدید مدائنی،[۳۲] محمد بن ابی عمیر[۳۳]، محمد بن اسماعیل بن بزیع[۳۴]، محمد بن سنان زاهری[۳۵] در عملکرد احمد بن محمد دو نکته درخور توجه است: اوّل، آن که وی غالباً از افراد معتبر و شناخته شده‌ای چون مشایخ ثلاثه نقل می‌کند که در جامعه شیعی آن زمان از شأنیت و مقام والایی برخوردار بوده‌اند. دوم، این‌که بسیاری از کتب نقل شده توسط او، کتاب‌های مشهور و معتبر در میان شیعیان‌اند. این دو نکته دقت و وسواس بسیار زیاد احمد بن محمد بن عیسی را نمایان می‌کند.

شاید احمد بن محمد بن خالد برقی و پدرش، در شمار دیگر قمیان اثرگذار بر جریان انتقال حدیث از عراق و کوفه باشند. برقی اصالتی کوفی دارد. جدّ اعلای او را والی عراق به قتل می‌رساند پس جدّ او، خالد، به همراه پدرش عبدالرحمن به ایران می‌گریزندو در برق رود(برقه) قم ساکن می‌شوند.[۳۶] با نگاهی به شاگردان و مشایخ احمد بن محمد بن خالد و پدرش چنین به دست می‌آیدکه شاگردان آنها

⇐ ش۸۶۸؛ ص۵۳۵، ش۸۶۹؛ رجال النجاشی، ص۲۰، ش۲۵؛ ص۹۴، ش۴۶؛ ص۱۳۵، ش۳۴۷؛ ص۱۴۰، ش۳۶۳؛ ص۱۵۰، ش۳۸۹؛ ص۱۶۰، ش۴۲۳؛ ص۱۹۹، ش۵۳۰؛ ص۲۴۴، ش۶۴۱؛ ص۲۴۷، ش۶۴۹؛ ص۲۸۲، ش۷۴۸؛ ص۲۹۶، ش۸۰۴؛ ص۳۰۹، ش۸۴۴؛ ص۳۵۷، ش۹۵۸؛ ص۴۳۰، ش۱۱۵۶؛ ص۴۳۱، ش۱۱۶۱؛ ص۴۳۲، ش۱۱۶۲؛ ص۴۶۱، ش۱۲۶۴.

۲۹. **الفهرست**، ص۱۲۴، ش۱۶۴؛ ص۲۵۹، ش۳۷۳؛ ص۲۶۹، ش۳۸۵؛ ص۳۰۴، ش۲۶۴؛ ص۳۲۳، ش۵۰۰؛ ص۳۸۶، ش۵۸۸؛ ص۴۷۵، ش۷۶۵؛ ص۵۱۰، ش۸۱۲؛ ص۵۲۵، ش۸۴۰؛ **رجال النجاشی**، ص۳۶، ش۷۲؛ ص۲۷۵، ش۷۲۰؛ ص۴۵۲، ش۱۲۲۲.

۳۰. **الفهرست**، ص۱۱۷، ش۱۵۹؛ ص۱۴۳، ش۲۱۲؛ ص۱۴۴، ش۲۱۳؛ ص۱۷۴، ش۲۶۸؛ ص۱۷۵، ش۲۷۰؛ ص۲۸۳، ش۴۱۹؛ ص۳۲۱، ش۴۹۹؛ ص۳۲۲ـ۳۲۳، ش۵۰۰؛ ص۳۳۸، ش۵۳۲؛ ص۴۲۰، ش۶۴۶؛ ص۴۴۵، ش۷۲۰؛ ص۴۷۶، ش۷۶۷؛ ص۵۳۴، ش۵۶۵؛ **رجال النجاشی**، ص۱۵۰، ش۳۹۲؛ ص۲۴۶، ش۶۴۸؛ ص۲۷۶، ش۷۲۵؛ ص۲۸۶، ش۷۶۴؛ ص۴۵۸، ش۱۲۴۸.

۳۱. **الفهرست**، ص۱۱۶، ش۱۵۸؛ ص۱۵۷، ش۲۴۱؛ ص۱۶۳، ش۲۴۹؛ ص۲۱۹، ش۳۲۲ـ۳۲۳؛ ص۳۴۵، ش۵۴۴؛ ص۴۱۸، ش۶۳۸.

۳۲. **الفهرست**، ص۱۵۷، ش۲۴۱؛ ص۱۶۳، ش۲۴۹؛ ص۴۵۹، ش۷۳۱؛ **رجال النجاشی**، ص۱۲۷، ش۳۲۸؛ ص۱۲۸، ش۳۲۹؛ ص۴۲۴، ش۱۱۳۸.

۳۳. **الفهرست**، ص۹۷، ش۱۳۱؛ ص۱۱۳، ش۱۵۲؛ ص۱۲۷، ش۱۷۲؛ ص۱۲۷، ش۱۷۳؛ ص۱۴۳، ش۲۱۲؛ ص۱۴۴، ش۲۱۳، ص۱۵۹، ش۲۴۴؛ ص۱۵۹، ش۲۴۵؛ ص۱۶۱، ش۲۴۶؛ ص۱۷۴، ش۲۶۷؛ ص۱۷۵، ش۲۷۰؛ ص۱۸۲ـ۱۸۳، ش۲۸۰؛ ص۱۸۳، ش۲۸۱؛ ص۱۹۳، ش۲۹۱؛ ص۲۱۹، ش۳۲۴؛ ص۲۲۰، ش۳۲۵؛ ص۲۳۰، ش۳۴۴؛ ص۲۳۶، ش۳۵۳؛ ص۲۳۶، ش۳۵۵؛ ص۲۴۵، ش۳۶۰؛ ص۲۸۳، ش۴۱۹؛ ص۳۰۴، ش۴۶۷؛ ص۳۲۳، ش۵۰۲؛ ص۳۳۰، ش۵۱۴؛ ص۴۱۸، ش۶۳۸؛ ص۴۱۹، ش۶۴۲؛ ص۴۲۰، ش۶۴۳؛ ص۴۲۰، ش۶۴۴؛ ص۴۲۰، ش۶۴۵؛ ص۴۲۰، ش۶۴۷؛ ص۴۲۱، ش۶۴۸؛ ص۴۴۰، ش۷۰۵؛ ص۴۵۹، ش۷۳۱؛ ص۴۶۴، ش۷۳۹؛ ص۴۷۰، ش۷۵۲؛ ص۴۸۹، ش۷۸۱؛ ص۵۳۲، ش۸۵۸؛ ص۵۳۲، ش۸۵۹؛ ص۵۳۲، ش۸۶۰؛ ص۵۳۳، ش۸۶۱؛ ص۵۳۳، ش۸۶۲؛ ص۵۳۳، ش۸۶۳؛ ص۵۳۳، ش۸۶۴؛ ص۵۳۴، ش۸۶۶؛ **رجال النجاشی**، ص۸، ش۳؛ ص۴۵، ش۹۰؛ ص۵۴، ش۱۲۰؛ ص۱۱۳، ش۲۹۰؛ ص۱۲۵، ش۳۲۱؛ ص۱۳۷، ش۳۵۴؛ ص۱۴۱، ش۳۴۸؛ ص۱۵۰، ش۳۹۳؛ ص۱۷۸، ش۲۹۰؛ ص۱۸۱، ش۴۷۹؛ ص۱۸۲، ش۴۸۰؛ ص۱۹۰، ش۵۰۷؛ ص۱۹۶، ش۵۲۳؛ ص۲۲۵، ش۵۸۹؛ ص۲۷۵، ش۷۲۳؛ ص۳۵۸، ش۹۶۱؛ ص۳۶۸، ش۹۹۷؛ ص۴۱۰، ش۱۰۹۳؛ ص۴۱۴، ش۱۱۰۴؛ ص۴۲۳، ش۱۱۳۵؛ ص۴۳۲، ش۱۱۶۲؛ ص۴۵۰، ش۱۲۱۶؛ ص۴۶۱، ش۱۲۶۵؛ ص۱۲۶۶، ش۱۲۶۷؛ در **الفهرست** شیخ آمده که احمد کتب صد نفر از اصحاب امام صادق ؑ را از ابن ابی عمیر نقل کرده است. (**الفهرست**، ص۴۰۴، ش۶۱۸).

۳۴. همان، ص۲۱۹، ش۳۲۲ـ۳۲۳؛ ص۲۲۶، ش۳۳۶؛ ص۴۱۸، ش۶۳۹؛ ص۴۴۱، ش۷۰۶؛ ص۴۵۹، ش۷۳۱؛ ص۵۲۵، ش۸۴۰؛ **رجال النجاشی**، ص۲۲۹، ش۶۰۷؛ ص۲۳۳، ش۶۱۸؛ ص۳۱۹، ش۸۷۴؛ ص۳۳۱، ش۸۹۳.

۳۵. **الفهرست**، ص۳۳۵، ش۵۲۶؛ ص۴۰۷، ش۶۲۰؛ ص۵۲۲، ش۸۳۰؛ **رجال النجاشی**، ص۱۴۹، ش۳۸۷؛ ص۲۰۱، ش۵۳۶؛ ص۲۱۴، ش۵۵۹؛ ص۲۹۸، ش۸۱۰.

۳۶. **الفهرست**، ص۵۱، ش۶۵؛ **رجال النجاشی**، ص۷۶، ش۱۸۲.

نوعاً قمی‌اند، حال آن که مشایخ این دو، غالباً کوفی و عراقی‌اند. با توجه به این به نظر می‌رسد که اینان نیز بسان احمد بن محمد بن عیسی در طلب حدیث به عراق رفته‌اند.[۳۷] در میان اساتید اینان افرادی از اصفهان[۳۸]، ری[۳۹]، نهاوند[۴۰]، گرگان[۴۱] و قزوین[۴۲] نیز یافت می‌شود که نشان می‌دهد احتمالاً خاندان برقی حلقه واسط قم با شهرهای دیگر ایران هم بوده‌اند. با نگاهی به کتاب‌های منقول از برقی و همچنین مشایخ وی، به روشنی تفاوت عملکردش با احمد بن محمد بن عیسی مشخص می‌شود؛ چه کتب مشهور چندانی در این سیاهه رؤیت نمی‌شود و از اساتید معتبر و معتمد چون ابن ابی عمیر، صفوان و ابن محبوب نقل زیادی وجود ندارد. شاید از همین روست که یکی از ویژگی‌های او را روایت زیاد از ضعفا انگاشته‌اند؛[۴۳] به گونه‌ای که بزرگ شهر قم، احمد بن محمد بن عیسی، برقی را از شهر می‌راند؛ هر چند که بعد پشیمان می‌شود و او را برمی‌گرداند.[۴۴]

در روزگار ریاست احمد بن محمد عیسی بر قم، ابوسمینه محمد بن علی صیرفی ـ که در کوفه به کذب شهرت یافته ـ وارد قم می‌شود و لختی نزد احمد بن محمد بن عیسی می‌ماند، امّا افکار غالیانه‌اش را آشکار می‌سازد و احمد نیز او را از قم اخراج می‌کند.[۴۵] انتقال ابوسمینه به قم، یکی دیگر از رحلات حدیثی از عراق و کوفه به قم است. رهاورد این رحله حدیثی رسیدن این تألیفات به قم است: کتاب اسحاق بن یزید بن اسماعیل طائی[۴۶]، برخی کتب اسماعیل بن مهران بن ابی نصر سکونی[۴۷]، کتاب حفص بن عاصم سلمی[۴۸]، کتاب سلیم بن قیس هلالی[۴۹]، کتاب سلام بن عبدالله

---

۳۷. برای دیدن برخی مشایخ عراقی این دو، ر. ک: **الفهرست**، ص۸۱، ش۱۰۱؛ ص۸۲، ش۱۰۴؛ ص۸۷، ش۱۱۸؛ ص۹۰، ش۱۲۲؛ ص۱۵۱، ش۲۳۲؛ ص۲۷۴، ش۳۹۴؛ ص۲۷۴، ش۳۹۵؛ ص۲۸۳، ش۴۱۹؛ ص۳۲۱، ش۴۹۹؛ ص۳۲۲، ش۵۰۰؛ ص۳۴۸، ش۵۵۰؛ ص۳۶۵، ش۵۷۰؛ ص۳۷۱، ش۵۷۶؛ص۳۷۱، ش۵۷۷؛ ص۴۳۶، ش۶۹۵؛ ص۴۳۷، ش۶۹۶؛ ص۴۶۲، ش۷۳۶؛ ص۴۸۸، ش۷۷۹؛ ص۴۸۹، ش۷۸۱؛ ص۵۲۸، ش۸۴۶، ص۵۲۸، ش۸۴۷؛ ص۵۲۹، ش۸۵۱؛ ص۵۳۰، ش۸۵۲؛ **رجـــال النجاشی**، ص۵۵، ش۱۲۵؛ ص۵۵، ش۱۲۶؛ ص۶۲، ش۱۴۷؛ ص۱۰۲، ش۲۵۴؛ ص۱۰۳، ش۲۵۶؛ ص۱۰۵، ش۲۶۳؛ ص۱۷۵، ش۴۶۳؛ ص۲۴۰، ش۶۳۷؛ ص۲۴۰، ش۶۳۹؛ ص۲۷۴، ش۷۱۸؛ ص۲۷۹، ش۷۳۲؛ ص۲۷۹، ش۷۳۳؛ ص۲۸۹، ش۷۷۴؛ ص۳۰۲، ش۸۲۳؛ ص۳۴۳، ش۹۲۶؛ ص۳۴۴، ش۹۲۷؛ ص۳۴۵، ش۹۳۱؛ ص۳۵۰، ش۹۴۲؛ ص۳۶۲، ش۹۷۲؛ ص۳۶۵، ش۹۸۶؛ ص۴۲۱، ش۱۱۲۷؛ ص۴۴۵، ش۱۲۰۲؛ ص۴۵۱، ش۱۲۱۷؛ ص۴۵۲، ش۱۲۲۱؛ ص۴۵۶، ش۱۲۳۹؛ ص۴۵۷، ش۱۲۴۱؛ ص۴۵۷، ش۱۲۴۲؛ ص۴۵۹، ش۱۲۵۵؛ ص۴۶۱، ش۱۲۶۳؛ ص۴۶۱، ش۱۲۶۴ و ... .

۳۸. **الفهرست**، ص۲۰، ش۱۷؛ ص۲۲۹، ش۳۴۲؛ ص۳۷۲، ش۵۷۸.

۳۹. همان، ص۲۲۸، ش۳۳۹؛ ص۳۴۷، ش۵۴۹؛

۴۰. همان، ص۲۰، ش۱۶؛ ص۲۷۵، ش۳۹۷.

۴۱. **رجال النجاشی**، ص۳۱۱، ش۸۵۳.

۴۲. **الفهرست**، ص۵۰۲ـ۵۰۳، ش۷۹۶؛ **رجال النجاشی**، ص۴۴۲، ش۱۱۹۲.

۴۳. **الفهرست**، ص۵۲، ش۶۵.

۴۴. **رجال ابن الغضایری**، ص۳۹، ش۱۰.

۴۵. **رجال النجاشی**، ص۳۳۲، ش۸۹۴.

۴۶. همان، ص۷۲، ش۱۷۲.

۴۷. همان، ص۲۷، ش۴۹.

۴۸. همان، ص۱۳۶، ش۳۴۹.

۴۹. همان، ص۸، ش۴.

هاشمی[۵۰]، کتاب هیثم بن واقد جزری[۵۱]، کتاب ابو بدر کوفی[۵۲]، کتب نصر بن مزاحم منقری کوفی.[۵۳] در همین دوران کوفی دیگری به نام عبدالرحمان بن ابی حماد صیرفی در قم ساکن شد[۵۴] که ظاهراً کتاب ابراهیم بن ابی بلاد را به این شهر می‌آورد.[۵۵] بدین ترتیب، میراث حدیثی عظیمی از عراق به قم منتقل شد؛ میراثی که در قرون بعد، از قمیان اخذ و به عراق بازگردانده شد.

انتقال از کوفه به اصفهان

ابراهیم بن محمد بن سعید ثقفی از کوفیانی است که وطن را به قصد اصفهان ترک می‌کند.[۵۶] گویی او کتابی در مناقب و مثالب می‌نگارد و محتوای آن را صحیح می‌انگارد. کتاب وی بر کوفیان گران می‌آید و از او می‌خواهند آن را عرضه نکند. ثقفی از ایشان می‌پرسد که دشمن‌ترین مردمان نسبت به شیعه در کدام شهرند؟ چون او را به اصفهان رهنمون می‌شوند، قسم یاد می‌کند که کتاب را جز در آنجا نقل نکند و به سوی آن شهر رهسپار می‌شود[۵۷] در اصفهان به نقل کتاب می‌پردازد و درخواست بزرگانی چون: احمد بن محمد بن خالد برقی را برای رفتن به قم نمی‌پذیرد.[۵۸] افزون بر کتاب پیش گفته ـ که **المعرفة** نام دارد ـ سایر کتاب‌های ثقفی صبغه‌ای تاریخی کلامی دارد و می‌توان گفت با این سفر بخشی از میراث احادیث تاریخی کوفه به ایران انتقال می‌یابد.

انتقال از کوفه به خراسان و ماوراء النهر

در ایران جز قم، دانشیان خراسان بزرگ هم تکاپوهای حدیث‌طلبانه خویش را آغازیدند. فضل بن شاذان نیشابوری در عنفوان جوانی در شهر کوفه کتبی چون کتاب ابن بکیر را از حسن بن علی بن فضال سماع می‌کند.[۵۹] محمد بن مسعود عیاشی سمرقندی نیز در جوانی به کوفه می‌آید و از بزرگانی چون علی بن حسن بن فضال و عبدالله بن محمد بن خالد طیالسی حدیث دریافت می‌کند. همچنین از خرمن دانش شیوخ بغداد و قم نیز خوشه می‌چیند[۶۰] و به دیار خویش برگشته، محافل علمی سترگ خویش را پی می‌افکند.

در موردی استثنایی اسماعیل بن محمد بن اسماعیل بن هلال مخزومی از مکّه عزم کوفه

---

۵۰. همان، ص۱۸۹، ش۵۰۳.

۵۱. همان، ص۴۳۶، ش ۱۱۷۱.

۵۲. همان، ص۴۵۴، ش۱۲۲۹.

۵۳. همان، ص ۴۲۸، ش ۱۱۴۸، نجاشی درباره این طریق گوید: فأمّا طريقنا إليه من جهة القميين ... .

۵۴. همان، ص۲۳۸ـ ۲۳۹، ش۶۳۳.

۵۵. همان، ص۲۲، ش۳۲.

۵۶. **الفهرست**، ص ۱۲ـ۱۳، ش ۷؛ **رجال‌النجاشی**، ص ۱۶ـ۱۷، ش ۱۹.

۵۷. همان، ص۱۷، ش۱۹.

۵۸. **الفهرست**، ص۱۲، ش۷؛ **رجال النجاشی**، ص۱۷، ش۱۹.

۵۹. همان، ص۳۵، ش۷۲.

۶۰. همان، ص۳۵۰ـ ۳۵۱، ش۹۴۴.

می‌کند و بزرگان کوفه، مانند: ایوب بن نوح، حسن بن معاویه، محمد بن حسین و علی بن حسن فضال، نزد او زانوی شاگردی بر زمین می‌نهد؛[۶۱] امّا او چندان در کوفه درنگ نمی‌کند و به مکه برمی‌گردد، از همین رو، حدیث وی کم نقل شده است.[۶۲]

تا این برهه از تاریخ، عراق و بویژه کوفه مبدأ و سرچشمه حدیث به شمار می‌رفت، امّا زین پس با تقویت دیگر مکاتب جهان تشیع و همچنین مرکزیت علمی بغداد، جریان انتقال حدیث معکوس، می‌شود و عراق و بغداد به صورت دریافت کننده دستاوردهای سایر مکاتب حدیثی در می‌آید.

دوره دوم. انتقال از مراکز علمی مهم شیعه به بغداد

انتقال از قم به بغداد

در سیر انتقال حدیث به بغداد، قم نقشی انکار ناپذیر دارد. یکی قمیانی که به بغداد می‌آید، محمد بن جعفر بن بطّه است. ابن بطه را کثیر الأدب و الفضل و العلم خوانده‌اند[۶۳] و فهرستی داشته که نجاشی آن را پر غلط می‌داند.[۶۴] او از مشایخ بزرگ قم، بویژه احمد بن محمد بن خالد برقی[۶۵] بسیار نقل

۶۱ . **الفهرست**، ص ۳۰، ش ۳۵؛ **رجال النجاشی**، ص ۳۱، ش ۶۷ .

۶۲ . همان.

۶۳ . همان، ص ۳۷۲ـ ۳۷۳، ش ۱۰۱۹.

۶۴ . همان.

۶۵ . **الفهرست**، ص ۲۰، ش ۱۶؛ ص ۲۰، ش ۱۷، ص ۳۵، ش ۴۱؛ ص ۳۶، ش ۴۶؛ ص ۳۶، ش ۴۷؛ ص ۴۲، ش ۵۸ ؛ ص ۴۳، ش ۶۰ ؛ ص ۸۲ ، ش ۱۰۴؛ ص ۸۷ ، ش ۱۱۸؛ ص ۹۰، ش ۱۲۱؛ ص ۹۰، ش ۱۲۲؛ ص ۱۱۲، ش ۱۴۹؛ ص ۱۱۲، ش ۱۵۰؛ ص ۱۱۵، ش ۱۵۶؛ ص ۱۱۵، ش ۱۵۷؛ ص ۱۲۵، ش ۱۶۵؛ ص ۱۲۵، ش ۱۶۷؛ ص ۱۲۶، ش ۱۶۸؛ ص ۱۲۶، ش ۱۷۰؛ ص ۱۳۸، ش ۲۰۱؛ ص ۱۴۱، ش ۲۰۵؛ ص ۱۴۱ ـ ۱۴۲، ش ۲۰۷؛ ص ۱۴۲، ش ۲۰۸؛ ص ۱۴۳، ش ۲۱۰؛ ص ۱۴۳، ش ۲۱۱؛ ص ۱۵۲، ش ۲۳۳؛ ص ۱۵۲، ش ۲۳۴؛ ص ۱۶۱، ش ۲۴۸؛ ص ۱۶۴، ش ۲۵۲؛ ص ۱۷۵، ش ۲۷۰؛ ص ۱۸۲، ش ۲۷۷؛ ص ۱۸۲، ش ۲۷۸؛ ص ۲۰۷، ش ۳۰۸؛ ص ۲۱۶، ش ۳۱۷؛ ص ۲۱۶، ش ۳۱۸؛ ص ۲۲۹، ش ۳۴۱؛ ص ۲۲۹، ش ۳۴۱؛ ص ۲۲۹، ش ۳۴۲؛ ص ۲۳۵، ش ۳۵۲؛ ص ۲۳۷، ش ۳۵۴؛ ص ۲۴۴، ش ۳۵۸؛ ص ۲۴۴، ش ۳۵۹؛ ص ۲۷۴، ش ۳۹۴؛ ص ۲۷۴، ش ۳۹۵؛ ص ۲۷۵، ش ۳۹۶؛ ص ۲۷۵، ش ۳۹۷؛ ص ۲۷۵، ش ۳۹۸؛ ص ۲۷۶، ش ۳۹۹؛ ص ۲۸۲، ش ۴۱۶؛ ص ۲۸۲، ش ۴۱۷؛ ص ۲۸۳، ش ۴۱۸؛ ص ۲۸۳، ش ۴۱۸؛ ص ۲۸۳، ش ۴۱۹؛ ص ۲۸۳، ش ۴۲۰؛ ص ۲۸۳، ش ۴۲۱؛ ص ۲۹۷ ـ ۲۹۸، ش ۴۴۸؛ ص ۲۹۸، ش ۴۴۹؛ ص ۳۰۳؛ ص ۴۶۲؛ ص ۳۰۴، ش ۳۶۳؛ ص ۳۱۱، ش ۴۷۶؛ ص ۳۱۲، ش ۴۷۷؛ ۳۱۵، ش ۴۸۴؛ ص ۳۱۸، ش ۴۹۰؛ ص ۳۲۱، ش ۴۹۸؛ ص ۳۲۱، ش ۴۹۹؛ ص ۳۲۵، ش ۵۰۵ ؛ ص ۳۳۷، ش ۵۳۰ ؛ ص ۳۱۸، ش ۵۳۵ ؛ ص ۳۴۳، ش ۵۳۸ ؛ ص ۳۴۷، ش ۵۴۹ ؛ ص ۳۴۸، ش ۵۵۰ ؛ ص ۳۳۷، ش ۵۳۰ ؛ ص ۳۴۰، ش ۵۳۵ ؛ ص ۳۴۳، ش ۵۳۸ ؛ ص ۳۴۷، ش ۵۴۹ ؛ ص ۳۴۸، ش ۵۵۰ ؛ ص ۳۴۸، ش ۵۵۱ ؛ ص ۳۵۱، ش ۵۶۰ ؛ ص ۳۶۵، ش ۵۷۰ ؛ ص ۳۶۶، ش ۵۷۳ ؛ ص ۳۷۱، ش ۵۷۷ ؛ ص ۳۷۲، ش ۵۷۸ ؛ ص ۳۸۸، ش ۵۹۴ ؛ ص ۴۱۷، ش ۶۳۵ ؛ ص ۴۱۸، ش ۶۴۰ ؛ ص ۴۳۵، ش ۶۹۰ ؛ ص ۴۳۶، ش ۶۹۱ ؛ ص ۴۳۶، ش ۶۹۲ ؛ ص ۴۳۷، ش ۶۹۶ ؛ ص ۴۳۷، ش ۶۹۷ ؛ ص ۴۳۸، ش ۶۹۸ ؛ ص ۴۳۸، ش ۶۹۹ ؛ ص ۴۳۸، ش ۷۰۰؛ ص ۴۳۹، ش ۷۰۱؛ ص ۴۳۹، ش ۷۰۲؛ ص ۴۳۹، ش ۷۰۳؛ ص ۴۴۰، ش ۷۰۴؛ ص ۴۵۶، ش ۷۲۶؛ ص ۴۵۹، ش ۷۳۲؛ ص ۴۷۱، ش ۷۵۴؛ ص ۴۷۱، ش ۷۵۵؛ ص ۴۷۱، ش ۷۵۶؛ ص ۴۷۵، ش ۷۶۴؛ ص ۴۸۲، ش ۷۷۴؛ ص ۴۸۸، ش ۷۷۹؛ ص ۴۸۹، ش ۷۸۱؛ ص ۵۰۲ ، ش ۷۹۳؛ ص ۵۱۰ ، ش ۸۱۱ ؛ ص ۵۲۸ ، ش ۸۴۷ ؛ ص ۵۲۸ ، ش ۸۴۸ ؛ ص ۵۲۹ ، ش ۸۵۴ ؛ ص ۵۳۰ ، ش ۸۵۵ ؛ ص ۵۳۱ ، ش ۸۵۶ ؛ **رجال النجاشی**، ص ۲۹، ش ۵۶ ؛ ص ۳۷، ش ۷۴؛ ص ۵۰ ، ش ۱۰۸؛ ص ۵۰ ، ش ۱۱۰؛ ص ۵۶ ، ش ۱۲۸؛ ص ۵۶ ، ش ۱۲۹؛ ص ۵۹ ، ش ۱۳۷؛ ص ۶۲ ، ش ۱۴۷؛ ص ۱۰۰، ش ۲۵۱؛ ص ۱۰۲، ش ۲۵۴؛ ص ۱۰۵، ش ۲۶۳؛ ص ۱۲۰، ش ۳۰۷؛ ص ۱۴۸، ش ۳۸۵؛ ص ۱۶۱، ش ۴۲۵؛ ص ۱۷۳، ش ۴۵۷؛ ص ۱۷۹،

می‌کند. با توجه به نقش مهم برقی در مدرسه حدیثی قم، دانسته می‌شود ابن بطّه میراث‌دار بخش مهمی از داشته‌های مکتب قم و ایران است که آنها را به بغداد منتقل می‌کند. به دیگر سخن، بخشی از میراث کوفه که به قم منتقل شده؛ به علاوه، قسمتی از تألیفات خودِ قمیان توسط محمد بن جعفر بن بطّه به بغداد وارد می‌شود. ابن بطّه با ورود به بغداد در نوبختیه ساکن می‌شود و ابوالمفضّل محمد بن عبدالله بن مطلّب شیبانی بر او قرائت می‌کند و از وی اجازه می‌گیرد.[۶۶] این ابوالمفضل شیبانی کوفی خود از کسانی است که عمری را در جستجوی حدیث به مسافرت پرداخته است.[۶۷] وی در ابتدا بر راه مستقیم گام برمی‌داشته، امّا از آن منحرف می‌شود[۶۸] و مشایخ بغدادی او را تضعیف می‌کنند.[۶۹] از همین رو، نجاشی با وجود سماع بسیار زیاد از این شیخ، تنها با واسطه به نقل از او می‌پردازد.[۷۰]

در حدیث طلبی ابوالمفضل همین بس که از کسانی چون ابن بطه و حمید بن زیاد اجازه گرفته و بسیار هم نقل می‌کند. جایگاه ابن بطه در سیر انتقال حدیث از سطور پیشین تا حدودی روشن شد. حمید بن زیاد، فردی کوفی است. درباره‌اش گفته‌اند:

روی الأصول أكثرها.[۷۱]

او فهرستی داشته که نجاشی و طوسی از آن بهره‌ها برده‌اند.[۷۲] از همین رو، می‌توان گفت که حمید بخش عظیمی از میراث کوفه را در اختیار داشته است. ابوالمفضل در واپسین سال حیات حمید، ۳۱۰ق، و در نینوا از او اجازه می‌گیرد.[۷۳] همچنین او هنگامی که محمد بن علی شلمغانی منحرف می‌شود و از ترس حکومتیان مخفی می‌گردد، به مخفیگاه او در معلثایا[۷۴] می‌رود و از او اجازه دریافت می‌کند.[۷۵] شاید همین بی‌مبالاتی در نقل، باعث تضعیفش توسط بغدادیان باشد. در مجموع، باید گفت که شیبانی از دو مکتب قم و کوفه بهره‌های بسیار داشته، امّا با اقبال بغدادیان روبه‌رو نمی‌شود.

↩ ش ۴۷۱؛ ص ۱۹۶، ش ۵۲۲؛ ص ۲۴۰، ش ۶۳۹؛ ص ۲۸۹، ش ۷۷۴؛ ص ۲۹۲ـ۲۹۳، ش ۷۸۹؛ ص ۲۹۳، ش ۷۹۰؛ ص ۳۰۱، ش ۸۱۸؛ ص ۳۰۲، ش ۸۲۳؛ ص ۳۱۵، ش ۸۶۳؛ ص ۳۲۷، ش ۸۸۷؛ ص ۳۴۳ ـ ۳۴۴، ش ۹۲۶؛ ص ۳۴۴، ش ۹۲۷؛ ص ۳۴۵، ش ۹۲۹؛ ص ۳۴۵، ش ۱۱۳۶؛ ص ۴۳۸، ش ۱۱۷۹؛ ص ۴۴۲، ش ۱۱۹۲؛ ص ۴۵۷، ش ۱۲۴۱؛ ص ۴۵۷، ش ۱۲۴۲؛ ص ۴۵۷، ش ۱۲۴۴؛ ص ۴۵۷، ش ۱۲۴۵؛ ص ۴۵۸، ش ۱۲۴۸؛ ص ۴۵۸، ش ۱۲۴۹؛ ص ۴۵۹، ش ۱۲۵۵؛ ص ۴۶۱، ش ۱۲۶۳. علاوه بر این او کتب کلامی متکلّم بزرگ شیعه، محمد بن عبدالرحمن بن قبه رازی را نیز از او اخذ کرده است. (همان، ص ۳۷۵، ش ۱۰۲۳)

۶۶. همان، ص ۳۷۳، ش ۱۰۱۹.

۶۷. همان، ص ۳۹۶، ش ۱۰۵۹.

۶۸. همان.

۶۹. همان؛ **الفهرست**، ص ۴۰۱، ش ۶۱۱.

۷۰. همان.

۷۱. **الفهرست**، ص ۱۵۵، ش ۲۳۸.

۷۲. به عنوان نمونه، ر. ک: **رجال النجاشی**، ص ۲۳۲، ش ۶۱۵؛ ص ۲۵۷، ش ۶۷۵؛ **الفهرست**، ص ۲۰۶، ش ۳۰۷؛ ص ۲۷۷، ش ۴۰۲؛ ص ۲۷۹، ش ۴۰۷ و ... .

۷۳. **رجال النجاشی**، ص ۱۳۲، ش ۳۳۹.

۷۴. منطقه‌ای است کوچک نزدیک جزیره ابن عمر در موصل، (**معجم البلدان**، ج ۵، ص ۱۵۸).

۷۵. **رجال النجاشی**، ص ۳۷۹، ش ۱۰۲۹.

علی بن حسین بن بابویه قمی، پدر شیخ صدوق، نیز به بغداد آمده است. بار اوّل، در دوران نیابت حسین بن روح به بغداد می‌آید و مسائلی از او می‌پرسد.[76] به نظر می‌رسد در همین دوران هم کتاب التکلیف را از شلمغانی، قبل از انحراف وی، دریافت می‌کند.[77] بار دیگر در سال ۳۲۸ ق، پا به بغداد می‌گذارد و کتب خود را به بغدادیان اجازه می‌دهد.[78] کتاب‌های روح بن عبدالرحیم[79]، ابوالبختری وهب بن وهب،[80] عبدالله بن محمّد اسدی کوفی[81] و احتمالاً کتاب الفضائل زکّار بن حسن دینوری[82] از دیگر تألیفاتی است که او در بغداد اجازه نقلشان را صادر کرده است.

جعفر بن محمد بن قولویه قمی از بزرگ مشایخ قمی است که به بغداد گذر می‌کند. به این سفر تصریحی نشده است، امّا با توجه به کثرت شاگردان بغدادیش ـ که گزارشی از سفر اکثر آنها به ایران و قم وجود ندارد ـ می‌توان به این نتیجه رسید که ابن قولویه به بغداد وارد شده است و اینان از او بهره گرفته‌اند. ابن قولویه به دلیل اصالت قمی‌اش، بخشی از کتب قمیان چون کتب سعد بن عبدالله اشعری[83]، نوادر الحکمة محمد بن احمد بن یحیی اشعری[84] و غیره[85] را به بغداد می‌آورد. افزون بر این، بخشی از میراث مدرسه کوفه و عراق را ـ که پیش از این با تلاش بزرگان قم به آن دیار آورده شده ـ به بغداد باز می‌گرداند.[86] جایگاه او در جامعه علمی آن روز به قدری والاست که فقیهی ارجمند چون ابن عقیل عمانی در مکتوبه‌ای کتب خویش را به او اجازه می‌دهد.[87] او به این اکتفا نمی‌کند و کتاب‌های اخبار القائم علی بن محمد بن ابراهیم کلینی (علّان)[88]، النوادر سهل بن زیاد آدمی رازی[89] و کتب محمد بن یعقوب کلینی[90] ـ که در ری اجازهٔ نقل آنها را گرفته ـ به بغداد منتقل می‌کند.

---

۷۶. **رجال النجاشی**، ص ۲۶۱، ش ۶۸۴.

۷۷. **الفهرست**، ص ۴۱۴، ش ۶۲۸.

۷۸. **رجال النجاشی**، ص ۲۶۱ـ ۲۶۲، ش ۶۸۴.

۷۹. همان، ص ۱۶۸، ش ۴۴۴.

۸۰. همان، ص ۴۳۰، ش ۱۱۵۵.

۸۱. همان، ص ۲۲۶، ش ۵۹۵.

۸۲. همان، ص ۱۷۶، ش ۴۶۴؛ سه کتاب قبلی را ابن مروان کلوذانی از او نقل کرد؛ یعنی کسی که پدر صدوق کتبش را به او اجازه داده است، امّا رجال‌النجاشی در سند این کتاب می‌نویسد: قال علی بن حسین بن بابویه.

۸۳. همان، ص ۱۷۸، ش ۴۶۷.

۸۴. همان، ص ۳۴۹، ش ۹۳۹.

۸۵. همان، ص ۴۴، ش ۸۷؛ ص ۹۷، ش ۲۴۲؛ ص ۹۷، ش ۲۴۱؛ ص ۴۹، ش ۱۰۴؛ ص ۳۳۰، ش ۸۹۱؛ ص ۱۴۱، ش ۳۶۶؛ ص ۳۷۸، ش ۱۰۲۸؛ **الفهرست**، ص ۷۳، ش ۹۲.

۸۶. **رجال النجاشی**، ص ۵۵، ش ۱۲۶؛ ص ۷۵، ش ۱۸۰؛ ص ۳۴۵، ش ۹۳۱؛ ص ۳۶۵، ش ۹۸۶؛ ص ۱۷۵، ش ۴۶۱؛ **الفهرست**، ص ۴۰۵، ش ۶۱۸.

۸۷. **رجال النجاشی**، ص ۴۸، ش ۱۰۰.

۸۸. همان، ص ۲۶۱، ش ۶۸۲.

۸۹. همان، ص ۱۸۵، ش ۴۹۰.

۹۰. همان، ص ۳۷۷، ش ۱۰۲۶؛ **الفهرست**، ص ۳۹۴ـ ۳۹۵، ش ۶۰۳.

محمد بن احمد بن داود بن علی، دیگر قمی مهاجر به بغداد و سکنا گزیده در آن است.[۹۱] غضایری درباره‌اش می‌گوید:

لم یر أحداً أحفظ منه و لا أفقه و لا أعرف بالحدیث.[۹۲]

به نظر می‌رسد محمد بن احمد علاوه بر اجازه کتب خویش، واسطه نقل کتبی چون کتاب‌های دایی خود سلامة بن محمد ارزنی و حسین بن سعید اهوازی[۹۳] نیز هست.[۹۴]

به جرأت می‌توان گفت مبرزترین قمی سفر کرده به بغداد، شیخ صدوق است. او به گاه جوانی و در سال ۳۵۵ ق، وارد این شهر می‌شود و شیوخ طایفه از او حدیث می‌شنوند.[۹۵] به عنوان نمونه، صدوق نسخه‌ای از علی بن حسن بن فضّال با خود آورده که کوفیان آن را نمی‌شناخته‌اند و طریق روایتش هم منحصر به قمیان بوده است.[۹۶] او افزون بر کتب خویش، کتاب‌های تألیف شده در ایران و قم و کتاب‌های کوفی منتقل شده به قم را در بغداد اجازه می‌دهد. عمده اساتید او در طریق کتب محمد بن حسن بن ولید و پدرش علی بن حسین بن بابویه هستند.[۹۷]

به گفته نجاشی، حسن بن علی بن عبدالله طبری معروف به مرعش در سال ۳۵۶ ق، وارد بغداد می‌شود و شیوخ بغداد از او حدیث اخذ می‌کنند.[۹۸] شیخ نیز به سماع مفید، غضایری و ابن عبدون از او در این سال تصریح دارد[۹۹]. نگاهی به برخی اساتید او در سلسله طرق کتبی که به ارمغان آورده، ما را متوجه نقش او در انتقال حدیث خواهد کرد.

---

۹۱. همان، ص۳۸۴، ش۱۰۴۵.

۹۲. همان.

۹۳. همان، ص۱۹۲، ش۵۱۴؛ ص ۶۰، ش۱۳۷.

۹۴. برای دیدن سایر موارد، ر. ک: **الفهرست**، ص۵۷، ش ۷۰؛ ص ۷۰، ش۸۸؛ ص۷۲، ش ۹۱، **رجال النجاشی**، ص۳۷۳، ش ۱۰۲۰؛ ص۹۷، ش ۲۴۰؛ ص۱۵۷، ش۴۱۳؛ ص۴۵۲، ش ۱۲۲۴؛ ص۴۵۵، ش ۱۲۳۴؛ ص۹۵، ش ۲۳۶؛ ص۳۱۶، ش۸۶۸؛ ص۳۵، ش۲۳؛ ص۴۵، ش۸۹؛ ص ۲۵۲، ش ۶۶۳؛ ص۳۸۲، ش۱۰۳۷؛ ص۵۰، ش۱۰۹؛ ص ۶۰، ش۱۳۷؛ ص۳۷۲، ش۱۰۱۷؛ ص۸۲ ۸۳، ش۱۹۸؛ ص ۸۱، ش۴۷۷.

۹۵. همان، ص۳۸۹، ش۱۰۴۹. برخی این تاریخ را مورد تردید قرار داده‌اند.

۹۶. همان، ص۲۵۸، ش۶۷۷. نجاشی در این نسخه تشکیک کرده است (همان، ص۳۶، ش۷۲).

۹۷. **الفهرست**، ص۱۸، ش۱۲؛ ص۱۹، ش۱۵؛ ص۲۸، ش۳۸؛ ص۳۹، ش۵۲؛ ص۴۳، ش۵۹؛ ص۹۸، ش ۱۳۲؛ ص۱۰۵، ش۱۳۸؛ ص۱۱۳، ش۱۵۴، ص۱۲۲، ش ۱۶۲؛ ص۱۲۴، ش۱۶۴؛ ص ۱۴۰، ش۲۰۴؛ ص ۱۴۰، ش۲۰۵؛ ص ۱۵۰، ش ۲۳۰؛ ص۱۵۴، ش۲۳۶؛ ص۱۵۶، ش ۲۴۰؛ ص۱۵۸، ش۲۴۲؛ ص ۱۶۲، ش۲۴۹؛ ص۱۶۳، ش۲۴۹؛ ص۱۶۳) ش۲۴۹؛ ص۱۶۳، ش ۲۵۰؛ ص۱۶۳، ش۲۵۱؛ ص۱۷۶، ش۲۷۲؛ ص۱۹۵، ش۲۹۴؛ ص۱۹۶، ش۲۹۵؛ ص ۲۱۱، ش۳۱۴؛ ص۲۱۵، ش ۳۱۶؛ ص ۲۲۱، ش ۳۲۶؛ ص ۲۲۷ ۲۲۶، ش۳۳۷؛ ص۲۴۲، ش ۳۵۶؛ ص۲۵۵، ش ۳۷۰؛ ص ۲۶۶، ش ۳۸۰؛ ص۲۶۷، ش ۳۸۰؛ ص۲۶۷، ش ۳۸۱؛ ص۲۶۹، ش۳۸۵؛ ص۲۶۹، ش۳۸۷ ۳۸۶؛ ص ۲۷۰ ۲۶۹، ش۳۸۸؛ ص ۲۷۱، ش۳۸۹؛ ص۲۷۴، ش۳۹۳؛ ص ۲۹۱، ش۴۳۴؛ ص ۲۹۲، ش۴۳۵؛ ص ۲۹۲، ش۴۳۶؛ ص۲۹۳، ش۴۳۷؛ ص۲۹۳، ش۴۳۹؛ ص ۲۹۴، ش ۴۴۰؛ ص۲۹۴، ش ۴۴۱؛ ص۲۹۵، ش ۴۴۲؛ ص ۲۹۶ ۲۹۵، ش۴۴۳؛ ص ۳۱۰، ش۴۷۳؛ ص ۳۱۱ ۳۱۰، ش۴۷۴؛ ص ۳۱۱، ش۴۷۵؛ ص۳۱۴، ش ۴۸۱؛ ص۳۲۲، ش ۵۰۰؛ ص۳۲۴، ش۵۰۳؛ ص۳۲۴، ش۵۰۴؛ ص ۳۳۱، ش۵۱۹؛ ص۳۳۵، ش ۵۲۶؛ ص۳۳۵، ش۵۲۷؛ ص ۳۳۷، ش۵۲۹؛ ص۳۳۹، ش۵۳۳؛ **رجال النجاشی**، ص ۱۳۱، ش۳۳۸؛ ص۱۳۷، ش۳۵۳؛ ص۱۷۵، ش۴۶۳؛ ص ۳۰۰، ش۸۱۷؛ ص۳۵۳ـ۳۵۴، ش۹۴۷؛ ص۴۴۶، ش۱۲۰۶.

۹۸. **الفهرست**، ص۶۴، ش۱۵۰.

۹۹. همان، ص۱۳۵، ش۱۹۵.

علی بن ابراهیم بن هاشم قمی[۱۰۰]: در اغلب موارد کتاب‌ها را از پدر خویش اجازه گرفته است. پیش از این نقش ابراهیم بن هاشم را در انتقال کتب از عراق و کوفه به قم برنمودیم. اکنون آن میراث کوفی به همراه مؤلّفاتی قمی توسط مرعش به موطن قبلی خود بازگشته است.

محمد بن جعفر بن بطّه قمی[۱۰۱]: جایگاه او در مدرسه حدیثی قم و نقشش در انتقال میراث قم به بغداد قبلاً مورد بررسی قرار گرفت.

احمد بن محمد بن خالد برقی[۱۰۲]: همان‌گونه که در صفحات پیشین گفته شد، او در کنار احمد بن محمد بن عیسی نقشی بسزا در پایه‌ریزی مکتب قم و آوردن آثار علمی بدان ایفا کرده است.

علی بن احمد بن محمد بن طاهر، ابن ابی جید، از مشایخ نجاشی و شیخ طوسی نیز در جرگهٔ بزرگان پیش گفته است؛ او که اصالتاً قمی است و در بغداد سکنا گزیده، غالباً از طریق شیخ قمیان محمد بن حسن بن احمد بن ولید، کتاب‌های بسیاری را نقل می‌کند.[۱۰۳] این‌ها کتاب‌هایی هستند که

---

۱۰۰ . همان، ص۱۳۵، ش۱۹۵.

۱۰۱ . همان، ص۱۲، ش۶ ؛ ص۳۳، ش۳۸؛ ص ۹۱، ش ۱۲۴؛ ص۱۶۳، ش۲۴۹؛ ص۱۹۵، ش۲۹۴؛ ص۲۳۵، ش ۳۵۱؛ ص ۲۹۱، ش ۴۳۴؛ ص۳۱۷، ش۴۸۹؛ ص ۷۰۶، ش ۴۴۱؛ **رجال النجاشی**، ص ۱۶، ش ۱۶؛ ص ۱۶، ش۱۸؛ ص ۲۶، ش۴۸؛ ص ۲۱۶، ش ۵۶۲ ؛ ص ۲۶۰، ش ۶۸۰ ؛ ص۲۷۸، ش ۷۳۱؛ ص۳۲۷، ش ۸۸۷ ؛ ص ۴۴۴، ش۱۱۹۹.

۱۰۲ . همان، ص۲۳، ش ۳۳؛ ص۲۹، ش ۵۶ ؛ ص ۳۷، ش ۷۴؛ ص۴۵، ش ۹۰؛ ص ۴۶، ش ۹۴؛ ص ۴۷، ش ۹۶؛ ص۴۷، ش۹۷؛ ص ۵۰ ، ش ۱۱۰؛ ص۵۳ ، ش ۱۳۰؛ ص۵۴ ، ش ۱۱۲؛ ص۵۴ ، ش ۱۲۲؛ ص ۵۶ ، ش۱۲۸؛ ص ۶۱ ، ش ۱۴۰؛ ص ۶۲ ، ش۱۴۷؛ ص ۱۰۰، ش ۲۵۱؛ ص ۱۰۲، ش ۲۵۴؛ ص۱۰۳، ش ۲۵۶؛ ص۱۰۵، ش ۲۶۳؛ ص ۱۰۷، ش ۲۷۱؛ ص ۱۱۱، ش ۲۸۶؛ ص۱۱۳، ش ۲۹۰؛ ص ۱۲۰، ش ۳۰۷؛ ص ۱۲۵، ش ۳۲۱؛ ص۱۲۸، ش ۳۲۹؛ص۱۲۸، ش ۳۳۰؛ص۱۳۵، ش ۳۴۷؛ ص ۱۳۷، ش ۳۵۴؛ ص ۱۴۰، ش ۳۶۳؛ ص ۱۴۱، ش ۳۶۸؛ ص۱۴۸، ش۳۸۵؛ ص ۱۵۰، ش ۳۹۲؛ ص ۱۵۰، ش ۳۹۳؛ ص ۱۶۱، ش۴۲۵؛ ص ۱۷۳، ش ۴۵۷؛ ص ۱۷۴، ش۴۵۸؛ ص۱۷۸، ش۴۶۹؛ ص۱۷۹، ش ۴۷۰؛ ص۱۷۹، ش ۴۷۱؛ ص ۱۸۲، ش۴۷۹؛ ص ۱۸۲، ش ۴۸۰؛ ص ۱۸۵، ش ۴۹۱؛ ص ۱۸۷، ش۴۹۷؛ ص۱۹۵، ش ۵۲۰ ؛ ص ۱۹۶، ش ۵۲۲ ؛ ص ۱۹۹، ش ۵۳۰ ؛ ص۲۰۵، ش ۵۴۷ ؛ ص۲۲۵، ش ۵۸۹ ؛ ص ۲۴۰، ش ۶۳۹ ؛ ص ۲۴۴، ش ۶۴۱ ؛ ص۲۴۵، ش ۶۴۲ ؛ ص ۲۴۶، ش۶۴۸ ؛ ص ۲۴۷، ش ۶۴۹ ؛ ص ۲۵۷، ش ۶۷۴ ؛ ص ۲۷۹ ۲۸۰، ش ۷۳۹؛ ص ۲۸۱، ش ۷۴۳؛ ص ۲۸۲، ش ۷۴۸؛ ص ۲۸۶، ش۷۶۴؛ ص ۲۸۷، ش ۷۶۶؛ ص ۲۸۹، ش ۷۷۴؛ ص ۲۹۳، ش ۷۸۹؛ ص ۲۹۶، ش ۸۰۴ ؛ ص ۲۹۸، ش ۸۸۷ ؛ ص ۳۴۲، ش ۹۱۷؛ ص ۳۴۳، ش ۹۲۶؛ ص ۳۴۴، ش ۹۲۷؛ ص ۳۴۴، ش ۹۲۹؛ ص ۳۵۰، ش ۹۴۲؛ ص ۳۵۷، ش ۹۵۸؛ ص ۳۵۸، ش ۹۶۰؛ ص ۳۶۱، ش ۹۷۱؛ ص ۳۶۲، ش ۹۷۲؛ ص ۳۶۸، ش ۹۴۲؛ ص ۳۵۷، ش ۹۵۸؛ ص ۳۵۸، ش ۹۶۰؛ ص ۳۶۱، ش ۹۷۱؛ ص ۳۶۲، ش ۹۷۲؛ ص ۳۶۸، ش ۹۹۷؛ ص ۳۶۹، ش ۱۰۰۳؛ ص ۳۷۳، ش ۱۰۱۹؛ ص ۳۸۲، ش ۱۰۳۸؛ ص ۴۰۵، ش ۱۰۷۴؛ ص ۴۱۴، ش ۱۱۰۴؛ ص ۴۲۳، ش ۱۱۳۶؛ ص ۴۳۱، ش ۱۱۶۱؛ ص ۴۳۲، ش ۱۱۶۲؛ ص ۴۴۲، ش ۱۱۹۲؛ ص ۴۴۵، ش ۱۲۰۲؛ ص ۴۵۱، ش ۱۲۱۷؛ ص ۴۵۳، ش ۱۲۲۸؛ ص ۴۵۷، ش ۱۲۴۴؛ ص ۴۵۷، ش ۱۲۴۹؛ ص ۴۵۹، ش ۱۲۵۵؛ با وجود این‌که ابوالمفضل شیبانی هم ابن بطه را در بغداد دیده و از او اجازه گرفته است، امّا نجاشی همیشه راه حسن بن علی، مرعش، را به ابن بطه انتخاب می‌کند. در برابر شیخ طوسی آنچه از ابن بطه گرفته، از طریق ابوالمفضّل شیبانی است.

۱۰۳ . **الفهرست**، ص۸ ، ش ۴؛ ص۱۸، ش ۱۳؛ ص۱۹، ش ۱۴؛ ص ۲۲، ش ۲۱، ص ۲۲، ش ۲۲؛ ص ۳۳، ش ۳۸؛ ص ۳۴، ش ۳۹؛ ص ۳۴، ش ۴۰؛ ص ۳۷، ش ۴۹؛ ص ۴۹، ش ۶۲ ؛ ص ۵۰ ، ش ۶۳ ؛ ص ۵۴ ، ش ۶۵ ؛ ص ۵۵ ، ش ۶۷ ؛ ص ۵۸ ، ش ۷۲؛ ص ۶۰ ، ش ۷۴؛ ص ۶۱ ، ش ۷۵؛ ص ۶۳ ، ش ۷۸؛ ص ۸۲ ، ش ۱۰۳؛ ص ۱۰۰، ش ۱۳۴؛ ص ۱۰۶، ش ۱۴۰؛ ص ۱۱۰، ش ۱۴۲؛ ص ۱۱۴، ش ۱۵۵؛ ص ۱۱۶، ش ۱۵۸؛ ص ۱۱۷، ش ۱۶۰؛ ص ۱۲۲، ش ۱۶۲؛ ص ۱۲۳، ش ۱۶۳؛ ص ۱۲۴، ش ۱۶۴؛ ص ۱۲۷، ش ۱۷۲؛ ص ۱۲۷، ش ۱۷۳؛ ص ۱۲۸، ش ۱۷۴؛ ص ۱۲۸، ش ۱۷۵ ۱۷۶؛ ص ۱۳۱، ش ۱۸۵؛ ص ۱۳۶، ش ۱۹۷؛ ص ۱۹۸، ش ۱۳۶؛ ص ۱۳۷، ش ۲۰۰؛ ص ۱۴۱، ش ۲۰۶؛ ص ۱۵۰، ش ۲۳۰؛ ص ۱۵۱، ش ۲۳۱؛ ص ۱۵۱، ش ۲۳۲؛ ص ۱۵۷، ش ۲۴۰؛ ص ۱۵۷، ش ۲۴۱؛ ص ۱۶۱، ش ۲۴۸؛ ص ۱۶۳، ش ۲۵۱؛ ص ۱۶۹، ش ۲۶۵؛ ص ۱۷۳، ش ۲۶۶؛ ص ۱۸۱، ش ۲۷۶؛ ص ۱۸۴، ش ۲۸۴؛ ص ۱۸۴، ش ۲۸۵؛ ص ۱۸۹، ش ۲۸۹؛ ص ۱۹۳،

⇔

به قم منتقل شده‌اند و ابن ولید از سلف خویش گرفته است. اکنون ابن ابی جید با استفاده از این شخصیت کلیدی مدرسه قم آنها را به بغداد منتقل کرده، برای نجاشی و شیخ نقل می‌کند. نجاشی صراحتاً طریق ابن ابی جید را «طریقنا ... من جهة القمیین» نامیده است.[۱۰۴]

آن گونه که در خلال اسانید آمده، محمد بن علی بن شاذان قزوینی در سال ۴۰۰ ق،[۱۰۵] و در حال عزیمت به زیارت،[۱۰۶] به بغداد می‌آید. او در شمار مشایخی است که اثری ژرف و بسزا در انتقال حدیث از ایران به بغداد دارد. نگاهی به اساتید ابن شاذان نشان می‌دهد که او از واسطه‌های مهم انتقال میراث شیعی است؛ چه وی نوعاً با میراث‌داران و مشایخ مکاتب حدیثی شیعه ارتباط دارد؛ به عنوان نمونه کتاب‌های بسیاری را از علی بن أبی سهل حاتم بن أبی حاتم قزوینی[۱۰۷] نقل می‌کند. علی بن حاتم از آن دست روائی است که هم کتب بسیار دارد[۱۰۸] و هم سماع حدیث فزون از حد[۱۰۹]. در اهتمام ابن حاتم به اخذ و سماع حدیث همین بس که به سال ۳۰۶ق، به نینوا پا می‌گذارد و تمامی

ش ۲۹۰؛ ص۱۹۶، ش۲۹۶؛ ص ۲۰۱، ش۲۹۸؛ ص۲۰۷، ش۳۰۶؛ ص۲۰۷، ش۳۰۸؛ ص ۲۱۰، ش۳۱۲؛ ص ۲۱۰، ش۳۱۳؛ ص ۲۲۱، ش۳۲۶؛ ص ۲۲۲، ش۳۲۷؛ ص ۲۲۲، ش ۳۳۰؛ ص ۲۲۶، ش۳۳۶؛ ص ۲۲۷، ش۳۳۷؛ ص۲۲۷، ش۳۳۸؛ ص۲۲۸، ش۳۳۹؛ ص۲۲۸، ش ۳۴۰؛ ص ۲۳۰، ش۳۴۶؛ ص۲۳۵، ش ۳۵۱؛ ص ۲۴۲، ش ۳۵۶؛ ص۲۴۳، ش۳۵۷؛ ص۲۴۵، ش۳۶۲؛ ص۲۴۶، ش۳۶۴؛ ص۲۵۶، ش۳۷۲؛ ص۲۵۹، ش ۳۷۳؛ ص ۲۶۴، ش ۳۷۶؛ ص۲۶۷، ش ۳۸۱؛ ص۲۶۸ ۲۶۹، ش۳۸۴؛ ص۲۸۶، ش۴۲۷؛ ص۲۸۶، ش۴۲۸؛ ص۲۹۳، ش۴۳۸؛ ص۲۹۳، ش۴۳۹؛ ص۲۹۴، ش۴۴۰؛ ص۲۹۵، ش۴۴۲؛ ص۲۹۵، ش۴۴۲؛ ص ۳۰۰، ش۴۵۴؛ ص ۳۲۲ـ ۳۲۳، ش ۵۰۰؛ ص ۳۳۱، ش۵۱۸؛ ص ۳۳۴، ش۵۲۵؛ ص۳۴۵، ش۵۴۵؛ ص ۳۴۶، ش ۵۴۶؛ ص ۳۴۷، ش۵۴۸؛ ص۵۶۸، ش ۳۶۴ و ۵۶۷؛ ص ۳۶۷، ش ۵۷۴؛ ص۳۶۸، ش ۵۷۷؛ ص ۳۷۷، ش ۵۸۴؛ ص۳۸۵، ش۵۸۸؛ ص۳۸۶، ش ۵۹۰؛ص ۳۸۷، ش۵۹۲؛ ص۳۸۸، ش۵۹۳؛ص ۴۰۰، ش۶۰۶؛ص ۴۰۰، ش۶۰۷؛ ص ۴۰۰، ش۶۰۸؛ ص ۴۰۱، ش۶۰۹؛ ص ۴۰۱، ش ۶۱۰؛ ص۴۰۷، ش ۶۲۱؛ ص۴۰۸، ش ۶۲۲؛ ص ۴۱۲، ش۶۲۶؛ ص ۴۱۴، ش۶۲۹؛ص۴۱۵، ش ۶۳۰؛ ص۴۱۵، ش ۶۳۱؛ ص۴۱۶، ش۶۳۴؛ ص ۴۴۰، ش۷۰۵؛ ص ۴۴۱، ش۷۰۶، ص ۴۵۲، ش۷۱۵؛ ص۴۵۳، ش۷۱۷؛ص ۴۷۲، ش۷۵۸؛ص۴۷۵، ش۷۶۴؛ ص ۴۸۲، ش۷۷۳؛ ص۴۸۹، ش ۷۸۰؛ ص ۴۹۳، ش ۷۸۲؛ ص ۴۹۶، ش۷۸۴؛ ص ۴۹۶، ش۷۸۵؛ ص۵۰۱، ش ۷۹۰؛ ص۵۰۸، ش۸۰۷؛ ص۵۱۱، ش۸۱۳؛ ص۵۱۳، ش۸۱۶؛ص۵۱۴، ش ۸۲۰؛ ص۵۱۹، ش ۸۲۱؛ ص ۵۲۱، ش۸۲۹؛ ص۵۲۵، ش ۸۴۰؛ ص۵۲۶، ش ۸۴۱؛ ص ۵۲۶، ش۸۴۲؛ ص۵۲۶، ش۸۴۳؛ ص۵۲۷، ش ۸۴۴؛ ص ۵۲۷، ش۸۴۵؛ ص ۵۴۶، ش۹۰۲؛ص ۵۴۶، ش۹۰۳؛ **رجال النجاشی**، ص۲۹۷، ش۸۰۵؛ ص ۳۱۰، ش۸۴۷؛ ص۳۱۴، ش۸۵۸؛ ص۳۱۹، ش۸۷۴؛ ص۳۳۲، ش۸۹۴؛ ص۳۳۴، ش۸۹۷؛ ص ۳۴۰، ش ۹۱۲؛ ص۳۵۴، ش۹۴۸؛ ص۳۵۶، ش۹۵۴؛ ص ۳۶۴، ش ۹۸۱؛ ص۳۶۷، ش۹۹۵؛ ص ۳۶۷ـ۳۶۸، ش۹۹۶؛ ص۳۶۸ـ ۳۶۹، ش ۱۰۰۰؛ ص۳۶۹، ش ۱۰۰۱؛ص ۳۸۳، ش ۱۰۴۲؛ ص۴۰۵، ش ۱۰۷۳؛ص ۴۰۷، ش ۱۰۸۱؛ ص ۴۱۱، ش۱۰۹۴؛ ص ۴۲۲، ش ۱۱۲۹؛ ص۴۲۸، ش۱۱۴۸؛ ص ۴۵۰، ش۱۲۱۵؛ ص۴۵۸، ش ۱۲۵۰؛ ص۴۵۸، ش ۱۲۵۱؛ ص ۴۵۱، ش۱۲۵۲.

۱۰۴ . **رجال النجاشی**، ص۴۲۸، ش۱۱۴۸.

۱۰۵ . همان، ص ۵۲، ش۱۱۶: أخبرنا اجازةً محمد بن علی قزوینی قدم علینا أربعمائة.

۱۰۶ . همان، ص۳۴۵، ش ۹۳۰: أخبرنا ابوعبدالله بن شاذان قزوینی ورد علینا زائراً ... .

۱۰۷ . همان، ص۱۹، ش ۲۱؛ ص ۲۰، ش ۲۴؛ ص ۳۶، ش ۷۲؛ ص ۳۷، ش ۷۳؛ ص ۴۰، ش ۸۰؛ ص ۴۲، ش ۸۶؛ ص ۴۵، ش ۹۱؛ ص ۴۷، ش ۹۸؛ ص ۹۶، ش ۲۳۷؛ ص ۹۹، ش ۲۴۶؛ ص ۱۳۹، ش ۳۶۱؛ ص ۱۷۵، ش ۴۶۲؛ ص ۸۸، ش ۴۹۹؛ ص ۱۹۳، ش ۵۱۵؛ ص ۱۹۵، ش ۵۲۱؛ ص ۲۳۴، ش ۶۱۹؛ ص ۲۳۵، ش ۶۲۲؛ ص ۲۳۶، ش ۶۲۳؛ ص ۲۳۹، ش ۶۳۵؛ ص ۲۴۵، ش ۶۴۵؛ ص ۲۵۵، ش ۶۶۷؛ ص ۲۶۰، ش ۶۸۱؛ ص ۲۶۳، ش ۶۸۸؛ ص ۲۷۳، ش ۷۱۶؛ ص ۲۷۴، ش ۷۱۷؛ ص ۲۸۵، ش ۷۵۹؛ ص ۲۹۴، ش ۷۹۵؛ ص ۳۲۱، ش ۸۷۶؛ ص ۳۴۵ـ۳۴۶، ش ۹۳۳؛ ص ۳۴۶، ش ۹۳۴؛ ص ۳۴۹، ش ۹۴۱؛ ص ۳۵۵، ش ۹۴۹؛ ص ۳۶۳، ش ۹۷۷؛ ص ۳۸۲، ش ۱۰۳۸؛ ص ۴۰۵، ش ۱۱۶۴؛ ص ۴۵۲، ش ۱۲۲۳؛ ص ۴۵۳، ش ۱۲۲۵.

۱۰۸ . **الفهرست**، ص ۲۸۵، ش ۴۲۶.

۱۰۹ . **رجال النجاشی**، ص ۲۶۳، ش ۶۸۸.

کتب حمید بن زیاد را اجازه می‌گیرد و کتاب الرجال حمید بر او قرائت می‌کند.[۱۱۰]

از دیگراساتید ابن شاذان می‌توان به احمد بن محمد بن یحیی عطّار قمی اشاره کرد. نـام ایـن شخص در سلسله سند بسیاری از کتب رؤیت می‌شود. تکرار نامش ما را به این نتیجه می‌رساند که او همچون ابن ولید میراث‌دار قمیان سلف است و به لحاظ داشتن اجازه کـتب از جـایگاه ویـژه‌ای در جامعه علمی قم دارد. نجاشی عمدتاً با واسطه ابن شاذان از احمد بن محمد بن یحیی نقل می‌کند، امّا طوسی گاه از طریق ابن ابی جید[۱۱۱] و در اکثر موارد، توسط حسین بن عبیدالله غضایری[۱۱۲] به او متّصل می‌شود. قضیه ارتباط ابن شاذان و ابن ابی جید با احمد بن محمد بن یحیی روشن است چه یکی از آنها قزوینی و دیگری قمی است و در نتیجه، دسترسی ایشان به احمد بن یحیی آسان است، لکن نحوه ارتباط غضایری بغدادی با او جای سؤال و ابهام دارد؛ یا احمد بن محمد به بـغداد سـفر داشته یا ابن غضایری به قم. درباره شقّ اوّل، قرینه‌ای در دست نیست، امّا شاهدی بر سفر غضایری به قم وجود دارد. ابن حجر در **لسان المیزان** به نقل از کتاب **رجال الشیعة و مصنّفیها** اثر شیخ طوسی، حسین بن عبیدالله را چنین توصیف می‌کند:

کان کثیرَ التَّرحال ....[۱۱۳]

این وصف نشان می‌دهد مسافرت برای طلب حدیث، شیوه و سیره غضایری بوده و از همین رو، سفر او به مرکز علمی بزرگی چون قم دور از ذهن نخواهد بود.

در کنار مسافرت به بغداد، قمیان گاه به کوفه نیز می‌رفتند.عبدالله بن جعفر بن حسین بن مالک بن جامع حمیری، یکی از شیوخ و بزرگان قمی بعد از سال ۲۹۰ ق، وارد کـوفه مـی‌شود و کـوفیان احادیث بسیاری از او می‌شنوند.[۱۱۴] جعفر بن حسین بن علی بن شهریار، از مشایخ قمی، به کـوفه می‌آید و در آن سکنا می‌گزیند. در کوفه کتابی درباره زیارت، فضیلت کوفه و مساجد آن می‌نگارد. او کتاب نوادری نیز داشته است.[۱۱۵]

انتقال از خراسان و ماوراء النهر به بغداد

در سال ۳۵۶ ق، فردی به نام ابوالحسن علی بن محمد بن عبدالله قزوینی وارد شهر می‌شود و برای

---

۱۱۰ . همان، ص ۱۳۲، ش ۳۳۹.

۱۱۱ . **الفهرست**، ص ۴۸، ش ۶۲ ؛ ص ۵۵ ، ش ۶۷ ؛ ص ۶۲ ، ش ۷۶؛ ص ۶۳ ، ش ۷۸؛ ص ۲۱۶، ش ۳۱۶؛ ص ۲۴۲، ش ۳۵۶؛ ص ۴۰۹، ش ۶۲۳ ؛ ص ۴۱۱، ش ۶۲۴ .

۱۱۲ . همان، ص ۲۹، ش ۳۳؛ ص ۵۷ ، ش ۷۰؛ ص ۶۲ ، ش ۷۶؛ ص ۶۳ ، ش ۷۸؛ ص ۸۴ ، ش ۱۰۸؛ ص ۱۱۳، ش ۱۵۳؛ ص ۱۲۹، ش ۱۷۷؛ ص ۱۳۳، ش ۱۹۲؛ ص ۱۷۷، ش ۲۷۴؛ ص ۲۱۶، ش ۳۱۶؛ ص ۲۴۲، ش ۳۵۶؛ ص ۲۸۴، ش ۴۲۲؛ ص ۳۳۰، ش ۵۱۵ ؛ ص ۳۶۳، ش ۵۶۶ ؛ ص ۴۰۸، ش ۶۲۲ ؛ ص ۴۰۹، ش ۶۲۳ ؛ ص ۴۱۱، ش ۶۲۴ ؛ ص ۴۲۱، ش ۶۴۹ ؛ ص ۴۲۲، ش ۶۵۰ ؛ ص ۴۲۲، ش ۶۵۰ ؛ ص ۴۵۴، ش ۷۲۱؛ ص ۴۸۷، ش ۷۷۸؛ ص ۵۳۶ ، ش ۸۷۰ ؛ ص ۵۴۶ ، ش ۹۰۲.

۱۱۳ . **لسان المیزان**، ج ۲، ص ۳۶۳. این عبارت در **الفهرستی** که امروزه در دسترس ماست، وجود ندارد.

۱۱۴ . **رجال النجاشی**، ص ۲۱۹، ش ۵۷۳ .

۱۱۵ . همان، ص ۱۲۳، ش ۳۱۷. محتمل است که این کتاب در قم نوشته شده باشد.

اولین‌بار بخشی از کتاب‌ها عیاشی را به روایت احمد بن عیسی علوی زاهد با خویش می‌آورد.[۱۱۶]

جعفر بن محمد بن قولویه حلقه ارتباط قم با مدرسه خراسان است و چنان که گذشت، به بغداد هم سفر کرده است، بنابراین او از واسطه‌های انتقال حدیث خراسانیان به بغداد است. یکی از عمده‌ترین اساتید خراسانی او، محمد بن عمر بن عبدالعزیز کشی است. از آنجا که کشی سفری به خارج از خراسان نداشته، می‌توان گفت که ابن قولویه به آنجا رفته است. کتاب جعفر بن احمد بن ایوب سمرقندی[۱۱۷]، کتب نصر بن صبّاح بلخی،[۱۱۸] کتاب رجال الکشی[۱۱۹] و کتب حسین بن اشکیب خراسانی[۱۲۰] از جمله دستاوردهای سفر او به خراسان است. همچنین ابن قولویه، نسخه‌ای از النوادر عبدالله بن محمد بن خالد بن عمر طیالسی را ـ که توسط عیاشی به خراسان منتقل شده ـ از پسر عیاشی نقل می‌کند.[۱۲۱] روایت حیدر بن نعیم سمرقندی، راوی تمامی کتب عیاشی، از ابن قولویه[۱۲۲] هم می‌تواند قرینه‌ای دیگر بر حضور وی در خراسان باشد، چون حیدر ظاهراً از منطقه خود خارج نشده است.

ابوالمفضّل محمد بن عبدالله بن مطلّب شیبانی از دیگر حلقه‌های ارتباط بغداد با مدرسه خراسان است. او در گرگان، کتب هارون بن عمر بن عبدالعزیز مجاشعی را از فضل بن محمّد شعرانی نقل می‌کند.[۱۲۳] چون او به گرگان مسافرت کرده و از سوی دیگر کتب عیاشی را هم از پسر او نقل کرده،[۱۲۴] می‌توان گفت سفر او به سمرقند و ماوراء النهر دور از ذهن نیست.

محمد بن علی بن شاذان قزوینی را می‌توان حلقه واسط مدرسه ماوراءالنهر و بغداد شمرد؛ زیرا کتب بنیانگذار آن مدرسه، محمد بن مسعود عیاشی، از طریق او و با واسطه حیدر بن نعیم سمرقندی نقل شده است.[۱۲۵]

---

۱۱۶ . همان، ص۲۶۷، ش۶۹۳ .

۱۱۷ . **رجال النجاشی**، ص ۱۲۱، ش ۳۱۰.

۱۱۸ . همان، ص۴۲۸، ش۱۱۴۹.

۱۱۹ . همان، ص۳۷۲، ش۱۰۱۸.

۱۲۰ . همان، ص۴۴، ش۸۸ .

۱۲۱ . همان، ص۲۱۹، ش ۵۷۲ .

۱۲۲ . الفهرست، ص ۱۶۷، ش۲۵۹.

۱۲۳ . همان، ص۴۳۹، ش۱۱۸۲.

۱۲۴ . **الفهرست**، ص۳۹۹، ش۶۰۵ .

۱۲۵ . همان، ص۱۳، ش۱۸؛ ص ۲۰، ش۲۵؛ ص ۲۱، ش ۲۹؛ ص ۲۱، ش ۳۰؛ ص۲۵، ش ۴۳؛ ص۲۵، ش۴۵؛ ص۲۹، ش۵۸؛ ص ۳۰، ش ۶۲؛ ص ۳۱، ش ۶۶؛ ص ۳۶، ش ۷۲؛ ص۳۸، ش ۷۶؛ ص۳۸، ش۷۷؛ ص ۴۰، ش ۸۰؛ ص ۴۲، ش ۸۵؛ ص ۴۲، ش ۸۶؛ ص ۴۹، ش ۱۰۵؛ ص ۶۰، ش۱۳۸؛ ص ۶۲، ش ۱۴۳؛ ص ۷۱، ش ۱۶۹؛ ص ۷۲، ش ۱۷۳؛ ص ۷۳، ش ۱۷۶؛ ص ۷۴، ش ۱۷۹؛ ص۷۸، ش ۱۸۳؛ ص۷۹، ش۱۸۸؛ ص۷۹، ش ۱۹۰؛ ص ۸۰، ش ۱۹۲؛ ص ۸۲، ش۱۹۸؛ ص ۸۳، ش ۱۹۹؛ ص۸۸، ش۲۱۵؛ ص۸۹، ش۲۱۹؛ ص ۹۱، ش۲۲۵؛ ص ۹۸، ش۲۴۵؛ ص۹۹، ش۲۴۸؛ ص ۱۰۵، ش ۲۶۲؛ ص ۱۰۷، ش ۲۷۰؛ ص ۱۰۸، ش ۲۷۳؛ ص ۱۰۹، ش ۲۷۶؛ ص ۱۱۴، ش ۲۹۳؛ ص ۱۳۳، ش ۳۴۰؛ ص ۱۳۴، ش ۳۴۴؛ ص ۱۳۸، ش ۳۵۷؛ ص ۱۴۹، ش ۳۸۷؛ ص ۱۴۹، ش ۳۸۸؛ ص ۱۵۳، ش ۴۰۱؛

⇔

علاوه بر مکاتب قم و خراسان ـ که مهم‌ترین مراکز حدیثی ایران و مبادی صدور میراث شیعی به بغدادند ـ گاه از مناطق دیگر ایران هم کتاب‌ها به این شهر منتقل می‌شوند؛ مثلاً حسن بن علی بن عبدالله طبری معروف به مرعش در سال ۳۵۶ ق، کتب محمد بن جریر بن رستم طبری آملی (امامی مذهب) را از منطقه خود طبرستان به بغداد آورده است[۱۲۶].

ابوالمفضّل محمد بن عبدالله بن مطلّب شیبانی هم به جنوب ایران سفر می‌کند و ظاهراً در شابرزان[۱۲۷]، اجازه نسخه عبدان بن محمد جویمی[۱۲۸] و در شیراز الکمال فی ابواب الشریعة موسی بن محمد اشعری قمی[۱۲۹] را دریافت می‌کند.

محمد بن عثمان نصیبی معدّل، شیخ بغدادی نجاشی است که در طلب حدیث و کتب به سرزمین‌های گوناگونی قدم می‌نهد. او به ایران آمده است. در ارّجان، بین اهواز و شیراز[۱۳۰]، کتاب‌های ابوشجاع ارّجانی را بر او قرائت کرده و از وی اجازه نقل حدیث گرفته است.[۱۳۱]

انتقال از کوفه به بغداد

با وجود این‌که قم در عالم تشیع آن روزگاران جایگاه علمی ویژه‌ای داشت، امّا شعله‌های علم هنوز در موطن اصلی حدیث شیعه، کوفه، هنوز خاموش نشده بود؛ چه هنوز برخی کتاب‌ها که به قم منتقل شده بودند، میان دانشیان کوفی نیز دست به دست می‌شد. ظاهراً برخی از کتاب‌ها نیز به قم منتقل نشده بود و تنها کوفیان آن را در اختیار داشتند. شیوخ کوفی با سفر به بغداد، این موارد را به این شهر منتقل می‌کردند. همچنین مشایخ بغدادی برای به دست‌آوردن نسخ و طرق کوفی کتاب‌ها یا کتاب‌های در انحصار کوفیان، شهر کوفه را مرکز توجه خود قرار دادند.

حوالی سال ۳۳۰ ق، حافظ جلیل القدر احمد بن محمد بن سعید بن عقده از کوفه به بغداد

← ص۱۵۸، ش۴۱۶؛ ص ۱۶۰، ش ۴۲۲؛ ص۱۸۴، ش۴۸۷؛ ص۱۸۷، ش۴۹۸؛ ص ۱۹۱، ش ۵۱۲؛ ص۱۹۲، ش۵۱۳؛ ص۲۱۴، ش۵۵۹؛ ص۲۲۶، ش۵۹۳؛ ص۲۲۷، ش۵۹۷؛ ص۲۲۹، ش۶۰۴؛ ص۲۳۸، ش ۶۳۰؛ ص۲۳۹، ش۶۳۳؛ ص ۲۵۲، ش ۶۶۲؛ ص۲۵۴، ش۶۶۴؛ ص۲۵۴، ش۶۶۶؛ ص۲۵۷، ش۶۷۳؛ ص۲۷۳، ش۷۱۵؛ ص۲۷۴، ش۷۱۸؛ ص۲۷۸، ش ۷۳۰؛ ص۲۷۸، ش۷۳۱؛ ص۲۸۳، ش۷۵۱؛ ص۲۹۱، ش۷۸۴؛ ص۲۹۳، ش۷۹۱؛ ص۲۹۳، ش۷۹۲؛ ص ۳۰۰، ش۸۱۷؛ ص۳۰۳، ش۸۲۸؛ ص۳۰۵، ش۸۳۴؛ ص ۳۱۱، ش ۸۵۰؛ ص۳۱۴، ش ۸۶۰؛ ص۳۱۵، ش۸۶۲؛ ص ۳۳۲، ش۸۹۳؛ ص۳۳۳، ش۸۹۴؛ ص۳۳۴، ش۸۹۶؛ ص۳۳۷، ش ۹۰۱؛ ص۳۳۸، ش۹۰۳؛ ص۳۳۸، ش۹۰۴؛ ص۳۳۹، ش۹۰۷؛ ص ۳۴۱، ش۹۱۴؛ ص۳۴۵، ش ۹۳۰؛ ص۳۴۹، ش۹۳۹؛ ص ۳۵۶، ش۹۵۵؛ ص۳۵۸، ش ۹۶۱؛ ص۳۶۸، ش۹۹۷؛ ص ۳۷۱، ش ۱۰۱۱؛ ص ۴۰۶، ش۱۰۷۷؛ ص۴۰۹، ش۱۰۸۸؛ ص۴۱۵، ش۱۱۰۸؛ ص ۴۱۶، ش۱۱۱۲؛ ص ۴۳۶، ش ۱۱۷۱؛ ص۴۳۷، ش ۱۱۷۶؛ ص۴۳۹، ش ۱۱۸۱؛ ص۴۴۸، ش۱۲۰۸؛ ص ۴۵۰، ش۱۲۱۶؛ ص۴۵۳، ش۱۲۲۷.

۱۲۶ . همان، ص۳۷۶، ش۱۰۲۴.

۱۲۷ . منطقه‌ای در خوزستان (**معجم البلدان**، ج۳، ص۳۰۳). در سند راوی را «نزیل شابرزان» خوانده است.

۱۲۸ . **رجال النجاشی**، ص۳۰۴، ش ۸۳۱.

۱۲۹ . همان، ص۴۰۷، ش۱۰۷۹.

۱۳۰ . **معجم البلدان**، ج ۱، ص۱۴۳ ۱۴۲.

۱۳۱ . **رجال النجاشی**، ص ۳۱۰، ش۸۴۹.

می‌آید.[۱۳۲] وی طرق کوفی کتاب‌های منتقل شده به قم و کتاب‌هایی را که اصلاً به قم منتقل نشده‌اند، به همراه می‌آورد. احمد بن محمد بن صلت اهوازی[۱۳۳] از او بسیاری از کتب را نقل می‌کند و چنان که گفته‌اند، وی اجازه نقل تمامی روایات و کتب ابن عقده را از او گرفته است.[۱۳۴] هارون بن موسی تلعکبری[۱۳۵] نیز از دیگر مشایخ بغدادی است که کتبی را از ابن عقده نقل می‌کند.

برخی از شیوخ نجاشی، چون محمد بن جعفر بن محمد بن هارون بن فروة بن ناجیة بن مالک تمیمی نحوی، معروف به ابن نجّار و محمد بن عبدالله بن حسین جعفی، کوفیانی هستند که به بغداد آمده و تحدیث کرده‌اند. اینان از ابن عقده، محدّث و حافظ بلند مرتبه کوفی، کتب بسیاری را اجازه گرفته[۱۳۶] و در بغداد پراکنده‌اند. برخی دیگر از مشایخ نجاشی و شیخ طوسی ـ که اهل و ساکن بغدادند ـ ظاهراً به کوفه رفته و از محضر بزرگان کوفه بهره برده‌اند، مانند احمد بن عبدالله بن عبدون. ابن عبدون با کوفه ارتباط دارد و از طریق علی بن محمد بن عبید بن زبیر کوفی، معروف بن ابن زبیر، به نقل کتب می‌پردازد.[۱۳۷] نجاشی به ملاقات او با ابن زبیر تصریح می‌کند.[۱۳۸]

---

۱۳۲ . **تاریخ بغداد**، ص۲۱۸.

۱۳۳ . **الفهرست**، ص۹، ش ۱؛ ص ۱۱، ش ۴؛ ص ۲۶، ش ۳۰؛ ص۴۵ ـ ۴۶، ش ۶۱؛ ص۴۷، ش ۶۲؛ ص۱۴۹، ش۲۲۸؛ ص۲۰۲، ش ۳۰۱؛ ص۲۰۴، ش۳۰۵؛ ص۲۱۸، ش ۳۲۱؛ص۳۵۵، ش ۵۶۱؛ ص ۳۸۱، ش ۵۸۶؛ ص ۴۶۳، ش ۷۳۷؛ ص ۵۰۶، ش۸۰۳؛ **رجال النجاشی**، ص۲۲، ش ۳۱؛ ص۲۸، ش ۵۴؛ ص ۳۷، ش ۷۳؛ ص ۴۷، ش۹۵؛ ص ۵۱، ش ۱۱۴؛ ص۵۵، ش ۱۲۴؛ ص ۱۱۱، ش ۲۸۴؛ ص ۱۱۴ ۱۱۳، ش ۲۹۲؛ ص۱۱۵، ش۲۹۵؛ ص۱۱۹، ش ۳۰۴؛ ص ۱۲۴ ـ ۱۲۵، ش ۳۲۰؛ ص۱۲۹، ش ۳۳۲؛ ص ۱۳۱، ش ۳۳۷؛ ص ۱۳۷، ش ۳۵۲؛ ص۱۳۹، ش ۳۶۰؛ ص ۱۴۴، ش ۳۷۲؛ ص ۱۴۴، ش ۳۷۳؛ ص ۱۵۳، ش ۴۰۳؛ ص ۱۵۴، ش۴۰۵؛ ص ۱۵۴، ش ۴۰۷؛ ص ۱۵۵، ش۴۰۹؛ ص۱۵۸، ش ۴۱۷؛ ص ۱۶۴، ش ۴۳۲؛ ص ۱۷۱، ش ۴۵۰؛ ص ۱۷۲، ش ۴۵۲؛ ص۱۷۹ ـ ۱۸۰، ش ۴۷۲؛ ص ۲۰۷، ش ۵۴۹؛ ص۲۳۸، ش ۶۳۲؛ ص ۲۵۲، ش ۶۶۳؛ ص۲۵۵، ش ۶۶۷؛ ص ۲۸۳، ش ۷۵۲؛ ص۲۹۵، ش ۸۰۰؛ ص۳۲۷، ش ۸۸۷؛ ص ۳۵۶، ش ۹۵۲؛ص۳۵۹، ش۹۶۵؛ ص ۳۶۰، ش ۹۶۷؛ ص ۳۶۱، ش۹۶۸؛ ص ۳۶۷، ش ۹۹۴؛ ص۴۰۹، ش ۱۰۹۰؛ ص ۴۱۰، ش ۱۰۹۳؛ ص ۴۱۷، ش ۱۱۱۳؛ ص ۴۱۷، ش۱۱۱۵؛ ص۴۱۸، ش۱۱۱۸؛ ص ۴۲۱، ش ۱۱۲۶؛ ص ۴۲۲، ش ۱۱۳۱؛ ص۴۲۸، ش۱۱۴۸؛ ص۴۴۳، ش۱۱۹۷؛ ص ۴۴۶، ش ۱۲۰۷؛ ص۴۴۸، ش ۱۲۱۱؛ ص۴۴۹، ش ۱۲۱۲.

۱۳۴ . **الفهرست**، ص۶۹، ش ۸۶.

۱۳۵ . **الفهرست**، ص ۱۴، ش ۷؛ ص ۲۳، ش ۲۴؛ ص۲۸، ش ۳۲؛ ص۴۸، ش ۶۲؛ ص۵۸، ش ۷۱؛ ص ۵۹، ش ۷۲؛ ص ۹۶، ش ۱۲۹؛ ص۱۲۳ ۱۲۲، ش ۱۶۲؛ ص ۱۳۴، ش ۱۹۴؛ ص ۱۴۱، ش۲۰۵، کتاب طریق قمی هم دارد؛ ص۱۶۹، ش ۲۶۴؛ ص۱۸۶، ش۲۸۸؛ ص ۲۴۲، ش ۳۵۶؛ کتاب طریق قمی نیز دارد؛ ص ۲۷۲، ش ۳۹۱؛ کتاب از طریق ابن ابی جید هم نقل شده که سلسله سند آن متشکل از قمیان است، ص۵۳۷، ش۸۷۵؛ **رجال النجاشی**، ص۱۳، ش۸؛ ص۱۸، ش ۱۹؛ ص ۲۶، ش ۴۹؛ ص ۵۰، ش ۱۰۷؛ ص۷۹، ش ۱۸۹؛ ص ۸۱، ش ۱۹۴؛ ص۱۶۵، ش ۴۳۳؛ ص ۱۷۱، ش۴۴۸؛ ص ۲۵۰، ش ۶۵۷؛ ص ۲۵۲، ش ۶۶۳؛ ص ۲۵۹، ش ۶۷۶؛ ص ۲۸۲، ش ۷۵۰.

۱۳۶ . همان، ص ۳۶، ش۴۵؛ ص۸۳، ش ۱۰۶؛ ص۱۴۹، ش ۲۲۹؛ ص ۱۶۷، ش ۲۶۱؛ ص۱۷۵، ش ۲۷۱؛ ص ۲۳۱، ش ۳۴۹؛ ص ۲۸۱، ش ۴۱۴، ص ۲۹۰، ش ۴۳۴؛ این کتاب سه طریق قمی هم دارد؛ ص ۳۱۶، ش ۴۸۶؛ ص ۳۱۶، ش ۴۸۶؛ ص۳۲۸، ش ۵۱۰؛ ص ۵۴۳، ش ۸۹۶. تلعکبری را می‌توان حلقه واسط مکتب بغداد و خراسان نیز انگاشت؛ زیرا کتب حیدر بن نعیم سمرقندی و کتاب رجال الکشی از طریق او به مشایخ شیخ طوسی رسیده است. همان، ص۱۶۷، ش ۲۵۹؛ ص ۴۰۳، ش ۶۱۵.

۱۳۷ . نقل‌های ابن نجار از ابن عقده: رجال النجاشی، ص ۶، ش ۱؛ این کتاب به تصریح نجاشی دو نسخه کوفی دارد که نسخه ابن عقده کامل‌تر است؛ ص ۷، ش ۲؛ ص ۱۳، ش۸، کتاب دو روایت کوفی و یک روایت قمی دارد؛ ص۱۵، ش ۱۲؛ ص ۲۰، ش ۲۷؛ ص ۲۸، ش ۵۳؛ ص ۵۳، ش ۱۱۷؛ ص ۵۳، ش ۱۱۷؛ ص ۵۳، ش ۱۱۹؛ ص ۹۱، ش ۲۲۷؛ ص ۱۱۱، ش ۲۸۱؛ ص ۱۲۷، ش۳۲۸؛ ص ۱۴۲ ۱۴۳،

انتقال از بصره به بغداد

به سال ۳۵۳ ق، احمد بن محمد بن جعفر صولی از بصره وارد بغداد می‌شود و مردمان از او سماع می‌کنند.[۱۳۹] کتاب الحجّ منصور بن حازم از طریق وی به بغداد رسیده است.[۱۴۰]

جالب این‌که جعفر بن محمد بن قولویه، در بصره تمامی کتاب‌های عبدالعزیز بن یحیی جلودی را اجازه گرفته است[۱۴۱] و از طریق اوست که کتب مهم مدرسه اخباری بصره به بغداد می‌رسد.

انتقال از شام به بغداد

ابوالمفضّل محمد بن عبدالله بن مطلّب شیبانی در سال ۳۲۲ ق، در دبیل[۱۴۲] کتاب محمد بن اسحاق بن جعفر بن محمد را از نوه‌اش اجازه می‌گیرد.[۱۴۳]

محمد بن عثمان نصیبی بغدادی هم به حلب رفته است. در حلب، کتاب‌های حسین بن خالویه نحوی را بر او قرائت کرده[۱۴۴] و کتب حسین بن محمد بن علی ازدی را از محمد بن حسین بن صالح سبیعی دریافت کرده است.[۱۴۵]

انتقال از مصر به بغداد

ابن‌قولویه در این انتقال نیز نقشی مهم ایفا می‌کند. حضور او در مصر مسجّل است؛ چه او تصریح می‌کند که کتاب جعفر بن یحیی بن علاء رازی را در آن دیار از محمد بن احمد بن سلیم صابونی

↔ ش ۳۷۰؛ ص ۱۸۱، ش ۴۷۸؛ ص ۱۹۱، ش ۵۱۱؛ ص ۲۳۵، ش ۶۲۱؛ ص ۲۴۵، ش ۶۴۴؛ ص ۲۵۰، ش ۶۵۶؛ ص ۲۵۹، ش ۶۷۶؛ ص ۲۷۳، ش ۷۱۴؛ ص ۲۷۸، ش ۷۲۹؛ ص ۲۸۰، ش ۷۴۱؛ ص ۲۸۱، ش ۷۴۵؛ ص ۲۸۶، ش ۷۶۲؛ ص ۲۸۸، ش ۷۶۹؛ ص ۳۰۳، ش ۸۲۶؛ ص ۳۰۸، ش ۸۴۱؛ ص ۳۰۸، ش ۸۴۱؛ ص ۳۰۸، ش ۸۴۲؛ ص ۳۱۷، ش ۸۶۹؛ ص ۳۱۹، ش ۸۷۳؛ ص ۳۲۳، ش ۸۸۰؛ ص ۳۲۵، ش ۸۸۵؛ ص ۳۲۹، ش ۸۹۰؛ ص ۳۳۲، ش ۸۹۴؛ کتاب **الدلائل** ابوسمینه با این سند است، امّا دو کتاب **تفسیر عمّ یتساءلون** و کتاب **الاداب** او، طریقی قمی دارند؛ ص ۳۴۰، ش ۹۱۱؛ ص ۳۵۰، ش ۹۴۳؛ ص ۳۶۶، ش ۹۹۱؛ ص ۳۶۹، ش ۱۰۰۴؛ ص ۴۱۱، ش ۱۰۹۶؛ ص ۴۱۲، ش ۱۰۹۸؛ ص ۴۱۴، ش ۱۱۰۳؛ ص ۴۱۴، ش ۱۱۰۶؛ ص ۴۱۸، ش ۱۱۱۸؛ ص ۴۱۹، ش ۱۱۲۰؛ ص ۴۱۹، ش ۱۱۲۱؛ ص ۴۱۹، ش ۱۱۲۲؛ ص ۴۲۰، ش ۱۱۲۵؛ ص ۴۲۷، ش ۱۱۴۶؛ ص ۴۲۸، ش ۱۱۴۸؛ نجاشی پس از ذکر طرقی که از ابن عقده می‌گذرد، می‌گوید: فأما طريقنا إليه من جهة القميين؛ ص ۴۳۷، ش ۱۱۷۴؛ ص ۴۴۱، ش ۱۱۸۷؛ ص ۴۴۲، ش ۱۱۹۰؛ ص ۴۴۸، ش ۱۲۱۰؛ ص ۴۵۸، ش ۱۲۴۷؛ ص ۴۶۰، ش ۱۲۵۷؛ نقل‌های محمد بن عبدالله بن حسین جعفی از ابن عقده: ص ۱۴، ش ۱۱؛ ص ۲۲۲، ش ۵۸۰؛ ص ۲۲۳، ش ۵۸۴؛ ص ۲۲۳، ش ۵۸۵؛ ص ۲۲۴، ش ۵۸۸؛ ص ۲۳۶، ش ۶۲۲؛ ص ۲۳۷، ش ۶۲۹؛ ص ۲۳۹ ـ ۲۴۰، ش ۶۳۶؛ ص ۲۴۶، ش ۶۴۶؛ ص ۲۴۹؛ ش ۶۵۵؛ ص ۲۵۲، ش ۶۶۲؛ ص ۲۸۳، ش ۷۵۱؛ کتاب دارای یک طریق قمی نیز هست.

۱۳۸. **رجال النجاشی**، ص ۸۷، ش ۲۱۱.

۱۳۹. **رجال النجاشی**، ص ۸۴، ش ۲۰۲؛ **الفهرست**، ص ۷۵، ش ۹۵؛ نکته مهم درباره صولی، مصاحبت طولانی‌اش با جلودی، شیخ بصریان، است که می‌توانسته زمینه‌ساز انتقال معارف بصری به بغداد باشد.

۱۴۰. **رجال النجاشی**، ص ۴۱۳، ش ۱۱۰۱.

۱۴۱. همان، ص ۲۴۴، ش ۶۴۰.

۱۴۲. ظاهراً دهی است نزدیک رمله در فلسطین (**معجم البلدان**، ج ۲، ص ۴۳۹).

۱۴۳. **رجال النجاشی**، ص ۲۹، ش ۶۰.

۱۴۴. همان، ص ۶۷، ش ۱۶۱.

۱۴۵. همان، ص ۶۵ ـ ۶۶، ش ۱۵۴.

شنیده است.[۱۴۶] محمد بن احمد بن ابراهیم بن سلیمان کوفی از اساتید ابن قولویه، ساکن مصر است و کتب خود و حاتم بن اسماعیل را برای او نقل کرده است.[۱۴۷] او در طریق کتاب عیسی بن مستفاد نیز قرار دارد. نجاشی در وصف این سند چنین می‌نویسد:

هذا الطریق مصریٌ فیه اضطراب.[۱۴۸]

از سوی دیگر، استاد ابن قولویه در این طریق عبیدالله بن فضل بن محمد بن هلال نبهانی است که اصالتاً کوفی است امّا به مصر کوچیده و در آن سکنا گزیده است.[۱۴۹] از این رو، این کتاب هم رهاورد سفر به مصر است.

با توجه به آنچه تا کنون دربارهٔ جعفر بن محمد بن قولویه آمد، باید گفت که او آمیزه‌ای از منقولات مکتب قم، ری، خراسان، بصره و مصر را وارد بغداد کرده است و از این حیث حلقه واسط بسیار مهمی به شمار می‌رود.

چنین می کند که محمد بن عثمان نصیبی معدّل، شیخ بغدادی نجاشی، در مصر از جعفر بن محمد بن عبیدالله بن موسی بن جعفر نقل کرده باشد ؛ زیرا در ضمن سند کتابی چنین می‌گوید:

... حدّثنا جعفربن محمد بن عبیدالله بمصر قراءةً علیه.[۱۵۰]

با این قرینه می‌توان گفت که تمامی کتب منقول از جعفر بن محمد، در سفر نصیبی به مصر دریافت و به بغداد منتقل شده است. خود جعفر بن محمد بن عبیدالله در اغلب طرق، از عبیدالله بن احمد بن نهیک نقل می‌کند.[۱۵۱] احتمال دارد او برای دریافت اجازه نقل برخی از کتب از عبیدالله بن احمد سفری به مکّه داشته است؛ زیرا در ضمن همین اسناد به حضور عبیدالله بن احمد بن نهیک در مکّه[۱۵۲] و تحدیث جعفر از او[۱۵۳] به صراحت اشاره شده است.

مطلب جالب دیگر، آن که ابوحاتم رازی، محدّث و رجالی بزرگ اهل سنّت، از مشایخ جعفر بن محمد بن عبیدالله است[۱۵۴] و شاید بتوان گفت که او در طلب حدیث به ری هم رفته باشد. افزون بر

---

۱۴۶ . همان، ص۱۲۶، ش۳۲۷.
۱۴۷ . همان، ص۱۴۷، ش۳۸۲؛ ص۳۷۵، ش۱۰۲۲.
۱۴۸ . همان، ص۲۹۸، ش۸۰۹ .
۱۴۹ . همان، ص۲۳۲، ش۶۱۵ .
۱۵۰ . همان، ص۴۳۱، ش۱۱۵۸.
۱۵۱ . همان، ص۲۰، ش۲۶؛ ص۴۹، ش۱۰۶؛ ص۵۶ ، ش۱۲۷؛ ص۷۱، ش۱۷۰؛ ص۷۴، ش۱۷۹؛ ص۹۹، ش۲۴۹؛ ص۱۱۳، ش۲۹۱؛ ص۱۲۷، ش۳۲۹؛ ص۱۴۵، ش۳۷۵؛ ص۱۴۸، ش۳۸۳؛ ص۱۵۹، ش۴۲۰؛ ص۱۶۲، ش۴۳۰؛ ص۱۸۰، ش۴۷۶؛ ص۱۹۹، ش۵۲۹ ؛ ص۲۰۵، ش۵۴۶ ؛ ص۲۳۲، ش۶۱۵ ؛ ص۲۳۶، ش۶۲۲ ؛ ص۲۵۰، ش۶۵۶ ؛ ص۲۵۶، ش۶۷۰ ؛ ص۲۸۵، ش۷۵۸؛ ص۲۹۰، ش۷۷۶؛ ص۳۲۷، ش۸۸۷ ؛ ص۳۵۷، ش۹۵۶؛ ص۴۳۴، ش۱۱۶۵؛ ص۴۳۵، ش۱۱۶۷؛ ص۴۴۱، ش۱۱۸۸؛ ص۴۴۴، ش۱۲۰۰؛ ص۴۵۹، ش۱۲۵۳.
۱۵۲ . همان، ص۲۳۲، ش۶۱۵ .
۱۵۳ . همان، ص۱۵۹، ش۴۲۰.
۱۵۴ . همان، ص۲۲۴، ش۵۸۶ ؛ ص۳۶۷، ش۹۹۳؛ ص۴۳۱، ش۱۱۵۸؛ ص۴۴۳، ش۱۱۹۶.

این به نظر می‌رسد مؤلّفانی که سند کتابشان این باشد، عامی مذهب‌اند، مگر این‌که قرینه‌ای بر خلاف آن اقامه شود.

نتیجه

صدور حدیث از کوفه به سایر مناطق شیعه آغاز شد. محدثان بزرگ قم و خراسان از کوفیان برای غنا بخشیدن به مکاتب حدیثی خود بهره‌ها بردند و در مواردی هم اهل کوفه در سایر بلاد حدیث کوفیان را پراکندند. پس از تکمیل نسبی این روند، کتاب‌های منتقل شده، در میان دانشمندان و مشایخ اجازه مناطق پیش گفته دست به دست می‌گردید و کتاب‌ها و میراث‌های جدیدی هم در گذر زمان بر آن افزوده می‌شد تا این‌که بغداد به عنوان مرکز علمی مورد توجه قرار گرفت. از این پس سفرهای زیادی، بویژه از سوی قمیان، به بغداد انجام گرفت. اینان همراه خود، میراث قم، خراسان، ری، کوفه و حتی بصره و مصر را به ارمغان آوردند. در مقابل بغدادیانی چند نیز به قم، کوفه، مصر، حلب، خراسان و.... سفر کرده و بدین‌سان، محافل علمی بغداد را از میراث مکتوب آن مناطق بهره‌مند ساختند.

کتابنامه

- تاریخ بغداد، احمد بن علی خطیب بغدادی، تحقیق:مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیة، اول، ۱۴۱۷ق.
- رجال ابن الغضایری، احمد بن حسین غضایری، تحقیق: سید محمدرضا حسینی جلالی، قم: دارالحدیث، اول، ۱۴۲۲ق.
- رجال النجاشی، احمد بن علی نجاشی، تحقیق: موسی شبیری زنجانی، قم: مؤسسه نشر اسلامی، هفتم، ۱۴۲۴ق.
- الفهرست، محمد بن حسن طوسی، تحقیق: عبدالعزیز طباطبایی، قم: کتابخانه محقق طباطبایی، اول، ۱۴۲۰ق.
- لسان المیزان، احمد بن علی بن حجر عسقلانی، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، دوم، ۱۳۹۰ق.
- معجم البلدان، یاقوت بن عبدالله حموی، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۳۹۹ق.